حکومت‌های جهانی قبل از قیامت

(رجعت و قیامت)

تألیف: سید محمد حسینی بهارانچی

حکومت های جهانی قبل از قی_امت (رجعت و قیامت)

مشخصات کتاب

حکومت های جهانی قبل از قی_امت (رجعت و قیامت)/ تألیف: سیّد محمّد حسینی بهارانچی

ناشر: زائر.قم . 1391

زبان: فارسی

مشخصات ظاهری: 96 ص

ص: 1

اشاره

ص: 2

حکومت های جهانی قبل از قی_امت (رجعت و قیامت)

سیّد محمّد حسینی بهارانچی

ص: 3

ص: 4

فهرست

تصویر

ص: 5

تصوير

ص: 6

پیشگفتار

کتابی که مشاهده می کنید، چکیده و خلاصه نظرات علمای بزرگوار شیعه و متون روایاتی است که درباره رجعت معصومین علیهم السلام به دنیا و تشکیل دولت های جهانی اسلامی پس از دولت جهانی حضرت بقیّه اللّه علیه السلام بیان شده است.

از روایات استفاده می شود که دولت ها و حکومت های معصومین علیهم السلام و رجوع آنان به دنیا برای تقاصّ از ستمگران و قاتلین اولیای خدا و تشفّی دل های مؤمنین خواهد بود، بنابر این در رجعت همه مردم به دنیا باز نخواهند گشت بلکه خلّص از مؤمنین و خلّص از منافقین و کفّار و دشمنان اهل بیت علیهم السلام به دنیا باز خواهند گشت و حکومت های جهانی برای هر امامی برقرار خواهد شد، قابل ذکر است که رجعت به طور اجمال قطعی و مسلّم است و لکن برخی از مسائل مربوط به آن روشن نیست و یا به اجمال گذشته است، از این رو، علمای ما نیز به همان صورت بیان نموده اند.

هدف از این نوشتار این است که اوّلاً اعتقاد به رجعت به طور اجمال از ضروریّات مذهب است و انکار آن انکار ضروری اسلام و سبب خروج از دین می باشد. و ثانیا نقل سخنان معصومین علیهم السلام در این

موضوع سبب تنبّه و بیداری و امید و تقویت ایمانی دوستان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان خواهد بود. از خداوند منّان توفیق و عصمت و ثبات ایمان و ولایت اولیای خدا و نجات از فتنه های آخرالزّمان و عافیت دارین را خواستاریم. و له الحمد أوّلاً و آخرا و ما بنا من نعمةٍ فمنه و لاحول و لاقوّه إلاّ باللّه العلیّ العظیم.

خادم اهل بیت علیهم السلام

سیّد محمّد حسینی بهارانچی

ص: 8

رجعت یعنی بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمّه معصومین علیهم السلام و خلّص مؤمنین و کفّار و مخالفین به دنیا، برای تشفّی دل های اولیای خدا و ذلّت کفّار و معاندین، و رجعت برای مؤمنین یک حادثه شیرین و یک نوید مسرّت بخشی است، هم چنان که قیام حضرت بقیّه اللّه علیه السلام برای مؤمنین و ستمدیدگان عالم یک نوید مسرّت بخش خواهد بود، از این رو، به آن «قیامت صغرا» نیز گفته می شود و آن مورد اجماع و اتّفاق بلکه از ضروریّات مذهب حقّه امامیّه است.

علاّمه مجلسی رضوان اللّه تعالی علیه گوید: شیعیان امامیّه در جمیع دوران پس از معصومین علیهم السلام معتقد به رجعت بوده اند و بر آن اتّفاق داشته و حقّانیّت آن را مانند نور خورشید در وسط روز آشکار می دانسته اند. از این رو، علمای شیعه در همه زمان ها در مقابل مخالفین با آیات قرآن و احادیث نبویّ حقّانیّت آن را اثبات می نموده و در اشعار خود نیز آن را جزء اعتقادات مسلّمه خود می دانسته اند.

اخبار رجعت از ائمّه معصومین علیهم السلام به صورت متواتر نقل شده و به بیش از دویست روایت می رسد که بیش از چهل نفر از بزرگان و معتمدین از علما و محدّثین آن ها را نقل نموده اند و در بیش از پنجاه

کتاب از کتب حدیث مانند کافی کلینی و کتب صدوق و شیخ طوسی و سیّد مرتضی و نجاشی و کشّی و عیّاشی و علیّ بن ابراهیم قمّی و سلیم بن قیس هلالی و شیخ مفید و کراجکی و نعمانی و صفّار و سعد بن عبداللّه و ابن قولویه و سید بن طاوس و فرزند او صاحب کتاب زوائد الفوائد و محمّد بن علیّ بن ابراهیم و فرات بن ابراهیم و مؤلّف کتاب التنزیل و التحریف و ابوالفضل طبرسی و ابوطالب طبرسی و برقی و ابن شهرآشوب و قطب راوندی و علاّمه حلّی و... ثبت شده است.

سپس گوید: اگر مثل چنین مسأله ای متواتر و قطعی نباشد در چه مسأله ای می توان ادّعای تواتر و قطعیّت نمود؟ با توجّه به این که جمیع علمای شیعه روایات آن را نقل نموده اند [و به مضامین آنها معتقد بوده اند].

مرحوم علاّمه مجلسی سپس گوید: به گمان من کسی که در چنین مسأله ای تردید پیدا کند، در حقّانیّت ائمّه معصومین علیهم السلام تردید پیدا نموده است، از این رو، هرگز کسی نمی تواند منکر رجعت بشود و یا چنین چیزی را بین شیعیان اظهار کند، جز آن که دست به القای شبهه بزند و با تشکیک های خود عوام مردم را در شبهه قرار بدهد، و این کار هم هدف او را تأمین نمی کند همان گونه که خداوند می فرماید: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» (1)، چرا که این تشکیکات در مثل چنین مسأله ضروری، و در مقابل

1- سوره صفّ: 8 .

سخنان صریح معصومین علیهم السلام و کتاب هایی که درباره رجعت نوشته شده است بی اثر خواهد بود.(1)

سپس گوید: اخبار فراوانی از ائمّه معصومین علیهم السلام رسیده که فرموده اند: «از ما نیست کسی که ایمان به رجعت و بازگشت ما به دنیا نداشته باشد.»

مرحوم شیخ صدوق در کتاب فقیه می فرماید: امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منّا من لم یؤمن بکرّتنا و یستحلّ متعتنا»؛ یعنی: «از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد و متعه ما را حلال نداند.» (2)

مرحوم شیخ صدوق رضوان اللّه تعالی علیه در کتاب عقائد امامیّه گوید: اعتقاد ما در رجعت این است که رجعت، حقّ و مسلّم است؛ چرا که خداوند در آیاتی از قرآن، رجعت و بازگشت گروهی را به دنیا مطرح نموده و رجعت چیزی جز این نیست چنان که می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ» (3). (4)

سپس مرحوم صدوق گوید: _ این هایی که خداوند در این آیه یاد می فرماید: هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از دیار خود فرار کردند و

1- بحارالأنوار: 52 / 123.
2- الفقیه: 3 / 458.
3- سوره بقره: 243.
4- حقّ الیقین شبّر: 2 / 30.

خداوند به آنان فرمود: بمیرید و چون مردند خداوند پس از سال هایی آنان را زنده نمود _ آنان هفتاد هزار خانواده بودند و در هر سالی عدّه ای از آنان به سبب طاعون می مردند، از این رو، اغنیا و ثروتمندان از شهر خارج شدند و فقرا و مستمندان که توانایی نداشتند باقی ماندند و به همین علّت طاعون در بین فقرا بیشتر شد و گفتند: اگر ما نیز از دیار خود خارج شده بودیم گرفتار طاعون نمی شدیم، اغنیا و ثروتمندان نیز گفتند: ما اگر در دیار خود مانده بودیم همانند فقرا گرفتار طاعون می شدیم، پس همگی تصمیم گرفتند که هنگام طاعون از شهر خارج شوند و چون خارج شدند و کنار دریایی قرار گرفتند و بار خود را بر زمین گذاردند، خداوند به آنان خطاب نمود:

«بمیرید»، پس همگی مردند و سال هایی مرده های آنان در کنار راه ماند و مردم از روی آنان حرکت می کردند تا این که پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل که به او «ارمیا» گفته می شد، بر آنان عبور نمود و به خدای خود گفت:

خدایا اگر تو بخواهی می توانی آنان را زنده کنی و آنان بلاد تو را آباد کنند و فرزندانی از آنان به وجود آید و مانند دیگران تو را عبادت کنند. پس خداوند به آن پیامبر فرمود: آیا دوست می داری که من آنان را زنده کنم؟ او گفت: «آری.» پس خداوند آنان را زنده نمود و امّت آن پیامبر قرار گرفتند.

سپس گوید: این ها از کسانی بودند که مردند و باز به دنیا بازگشت و سپس به اجل خویش از دنیا رفتند و این آیه یکی از آیات مربوط به

رجعت است.

آیه دیگر آیه «أَوْ کَالَّذی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ وَ هِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها قالَ أَنّی یُحْیی هذِهِ اللّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللّهُ مِأَهَ عام ثُمَّ بَعَثَهُ قالَ کَمْ لَبِثْتَ قالَ لَبِثْتُ یَوْما أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قالَ بَلْ لَبِثْتَ مِأَهَ عام فَانْظُرْ إِلی طَعامِکَ وَ شَرابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَ انْظُرْ إِلی حِمارِکَ وَ لِنَجْعَلَکَ آیَهً لِلنّاسِ وَ انْظُرْ إِلَی الْعِظامِ کَیْفَ نُنْشِزُها ثُمَّ نَکْسُوها لَحْما فَلَمّا تَبَیَّنَ لَهُ قالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» (1).

این آیه مربوط به عزیر است که یکصد سال از دنیا رفت و باز به دنیا بازگشت و با اجل خود از دنیا رحلت نمود. سپس گوید:

خداوند درباره کسانی که موسی علیه السلام آنان را برای میقات با پروردگار خود انتخاب نمود می فرماید: «ثُمَّ بَعَثْناکُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ» (2). و قصّه آنان این است که آنان چون سخن خدا را شنیدند گفتند: «ما ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم.» و چون خداوند به وسیله صاعقه آنان را هلاک نمود، موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا من در بازگشت، به بنی اسرائیل چه بگویم؟» پس خداوند آنان را باز زنده نمود و سال ها روی زمین زندگی کردند و فرزندانی از آنان به وجود آمد و سپس با اجل های خود از دنیا رفتند.

آیه دیگر آیه ای است که خداوند به عیسی علیه السلام می فرماید: «وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتی بِإِذْنی» (3)، و جمیع کسانی که عیسی علیه السلام به اذن خداوند زنده نمود، به دنیا بازگشتند و مدّت ها در دنیا زندگی کردند و سپس با

1- سوره بقره: 259.
2- سوره بقره: 56 .
3- سوره مائده: 110.

اجل های خود از دنیا رفتند.

آیه دیگر مربوط به اصحاب کهف است که خداوند می فرماید: «وَ لَبِثُوا فی کَهْفِهِمْ ثَلاثَ مِأَةٍ سِنینَ وَ ازْدادُوا تِسْعا» (1)، و آنان سیصد و نه سال در کهف مردند و خداوند بدن های آنان را حفظ نمود و سپس زنده شدند و به دنیا بازگشتند و با همدیگر سخن گفتند و خداوند می فرماید: «وَ تَحْسَبُهُمْ أَیْقاظا وَ هُمْ رُقُودٌ» (2)، و معنای «رقود» این است که آنان مرده بودند گرچه شما فکر می کردید زنده هستند. از این رو، خداوند در سوره یسآ می فرماید: «قالُوا یا وَیْلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلینَ» (3).

از سویی رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «کلیّه حوادثی که در امّت های پیشین رخ داده است بدون کم و کاست در این امّت نیز رخ خواهد داد.» (4) بر این اساس در این امّت نیز باید رجعت وجود داشته باشد.

از سوی دیگر مخالفین ما که در مسأله رجعت با ما مخالفت دارند نقل کرده اند که هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام ، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می خواند، و خداوند درباره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «إِنّی مُتَوَفّیکَ وَ رافِعُکَ إِلَیَّ» (5). [و آنان توفّی را به معنای مرگ می دانند.]

آیه دیگر که از همه آیات صریح تر در معنای رجعت است و

1- سوره کهف: 25.
2- سوره کهف: 18.
3- سوره یس: 52 .
4- فقیه: 1 / 203.
5- سوره آل عمران: 55 .

مستقیما به مسأله رجعت اشاره دارد این آیه است: «وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجا مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیاتِنا» (1)، یعنی: «آن روز، روزی است که ما از هر امّتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب می نموده اند را زنده می کنیم.» در حالی که درباره قیامت می فرماید: «وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَدا» (2)، یعنی: «ما در قیامت همه مردم را زنده می کنیم و احدی را رها نخواهیم نمود.» از این دو آیه ظاهر می شود که آن روزی که همه مردم زنده می شوند غیر از روزی است که فوجی و گروهی از مکذّبین زنده می شوند.

از این رو، قرآن از قول منکرین قیامت می فرماید: «وَ أَقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لا یَبْعَثُ اللّهُ مَنْ یَمُوتُ بَلْ وَعْدا عَلَیْهِ حَقّا وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ» (3)، و مقصود رجعت می باشد؛ چرا که خداوند می فرماید: «لِیُبَیِّنَ لَهُمُ الَّذی یَخْتَلِفُونَ فیهِ» (4)، و تبیین، در مورد مسائل مورد اختلافی در دنیاست نه در آخرت. (5)

1- سوره نمل: 83 .
2- سوره کهف: 47.
3- سوره نحل: 38.
4- سوره نحل: 39.
5- بحارالأنوار: 53 / 130.

در کتاب «أجوبه المسائل العکبریّه» شیخ مفید رحمه الله آمده، که از شیخ درباره آیه شریفه «إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا» (1) سؤال شد: «معنای یاری خداوند نسبت به مؤمنین در دنیا چیست؟» مرحوم شیخ پاسخ هایی داد و فرمود: «امامیّه [یعنی شیعیان دوازده امامی] می گویند: خداوند متعال قبل از قیامت، اولیای خود را یاری خواهد نمود، و آن در زمان قیام حضرت قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و رجعت اولیای خداست که به مؤمنین وعده یاری داده است.»(2)

مرحوم علاّمه شبّر در کتاب «حقّ الیقین» گوید: از حرث بن عبداللّه ربعی روایت شده که گوید: هنگامی که منصور در جسر اکبر بود من در مجلس منصور دوانیقی نشسته بودم و سوار قاضی [یکی از قضات اهل سنّت] نیز نزد او بود، در آن هنگام سیّد حمیری [شاعر اهل بیت علیهم السلام] این ابیات را انشاء نمود:

إنّ الإله الّذی لا شیء یشبهه آتاکم الملک للدّنیا و للدّین

آتاکم اللّه ملکا لا زوال له حتی یقاد إلیکم صاحب الصین

و صاحب الهند مأخوذ برمّته و صاحب الترک محبوس علی هون

تا این که قصیده خود را به آخر رساند و منصور شاد شده بود. پس

1- سوره غافر: 51 .
2- حقّ الیقین: 2 / 31.

سوار قاضی به منصور گفت: «یا امیرالمؤمنین، به خدا سوگند این شخص با زبان خود تو را ستایش می کند و قلب او با تو نیست.» سپس گفت: «به خدا سوگند، او دیگران را امام خود می داند و آنان را دوست می دارد و در باطن از دشمنان تو می باشد.»

پس سیّد حمیری گفت: «به خدا سوگند او دروغ می گوید و من در ستایش تو صادق هستم و سوار از آن حسدی که نسبت به تو دارد و تو را بر کرسیّ خلافت مستقرّ می بیند و این اشعار را می شنود، نمی تواند تحمّل کند، از این رو، این سخنان را می گوید وگرنه من از دیرزمان به شما خاندان عبّاسی علاقه داشته ام و لکن سوار و قوم او در جاهلیّت دشمن شما بودند و بعد از اسلام نیز دشمن شما هستند و خداوند درباره آنان به پیامبر خود صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ الَّذینَ یُنادُونَکَ مِنْ وَراءِ الْحُجُراتِ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ» (1).»

منصور گفت: «راست می گویی.» سوار گفت: «او قائل به رجعت است و از شیخین بدگویی می کند.» سیّد حمیری گفت: «امّا این که می گوید: من قائل به رجعت هستم، من مطابق قرآن سخن گفته ام که می فرماید: «وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجا مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیاتِنا فَهُمْ یُوزَعُونَ» (2)، و در جای دیگر می فرماید: «وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَدا» (3)، و ما از این دو آیه می فهمیم که خداوند دو قیامت دارد: 1_ قیامت عامّ برای همه مردم، 2_ قیامت خاصّ برای مکذّبین و...، از

1- سوره حجرات: 4.
2- سوره نمل: 83 .
3- سوره کهف: 47.

این رو، در آیه دیگر درباره آنان می فرماید: «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَیْنِ وَ أَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَلْ إِلی خُرُوجٍ مِنْ سَبیلٍ» (1)، و در آیه دیگر درباره رجعت می فرماید: «فَأَماتَهُ اللّهُ مِأَهَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ» (2)، وونیز در آیه دیگری می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللّهُ مُوتُوا»(3). این آیات کتاب خداست که درباره رجعت امّت های پیشین نازل شده است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرچه در بنی اسرائیل رخ داده است در امّت من نیز رخ خواهد داد، حتّی خسف [یعنی بلعیدن زمین] و مسخ [یعنی خارج شدن از شکل انسان].»

سپس گفت: «رجعتی که من به آن معتقد هستم همان چیزی است که قرآن بیان نموده و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن گواه است و من معتقدم که خداوند این سوار را در رجعت به صورت سگ یا بوزینه و یا خوک و یا مورچه محشور خواهد نمود.»

سپس گفت: «به خدا سوگند او آدم سرکش و متکبّر و کافر است.» و منصور خندید. (4)

در همان کتاب «أجوبه المسائل العکبریّه» مرحوم شیخ مفید آمده، که گوید: من بودم که یکی از معتزله به یکی از علمای شیعه در حضور علما و اهل نظر گفت: «اگر صحیح باشد گفته شما که می گویید: خداوند

1- سوره غافر: 11.
2- سوره بقره: 259.
3- سوره بقره: 243.
4- الفصول المختاره للمفید: 93؛ بحارالأنوار: 53 / 130.

هنگام قیام مهدی علیه السلام در رجعت قبل از قیامت اموات را به دنیا بازمی گرداند تا دل های مؤمنین را شفا بخشد و از کفّار انتقام بگیرد، همان گونه که می گویید: خداند درباره بنی اسرائیل چنین کرد و آیه «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیْهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفیرا» (1)را به این معنا تأویل می کنید، به من بگو بدانم از کجا که در بازگشت به دنیا کسانی مثل یزید و شمر و عبدالرّحمان بن ملجم و... از کفر خود بازنگردند و اطاعت از امام خود را انتخاب نکنند و بر تو واجب شود که آنان را دوست بداری و یقین کنی که اهل ثواب و بهشت خواهند بود؟! و این کلیّه اعتقادات شیعه را برهم می زند.»

پس آن پیرمرد شیعی گفت: «من جواب این سؤال را نمی دهم و بدون اطّلاع سخنی نمی گویم.» و به همین علّت آن شخص معتزلی و حاضرین او را درمانده دانستند.

شیخ مفید می فرماید: من در جواب او می گویم: این سؤال دو پاسخ دارد: 1_ گرچه عقل بازگشت آنان را به ایمان منع نمی کند و آنان در بازگشت تمکّن بر ایمان دارند و لکن از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود که چنین افرادی مخلّد در دوزخ خواهند بود و ما باید آنان را لعنت کنیم و از آنها برائت بجوییم، از این رو، ما از این اخبار یقین پیدا می کنیم که آنان هرگز به ایمان باز نخواهند گشت، همان گونه که خداوند می فرماید: «وَ لَوْ أَنَّنا نَزَّلْنا إِلَیْهِمُ الْمَلائِکَهَ وَ کَلَّمَهُمُ الْمَوْتی وَ

1- سوره اسراء: 6 .

حَشَرْنا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلاً ما كانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلاّ أَنْ يَشاءَ اللّهُ» (1)، یعنی: «اگر ملائکه بر آنان فرود آیند و مردگان با آنان سخن بگویند و همه حقایق را آشکار ببینند ایمان نمی آورند، جز این که خداوند آنان را به ایمان اجبار نماید [و چنین نخواهد کرد].»

و یا می فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ * وَ لَوْ عَلِمَ اللّهُ فيهِمْ خَيْرا لاَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ»(2)، یعنی: «بدترین جنبنده نزد خداوند افراد کر و گنگی هستند که تعقّل نمی کنند و اگر خداوند خیری در آنها می دانست حقایق را به گوش آنان می رسانید، و اگر چنین می کرد آنان از حقّ گریزان بودند.» چنین کسانی مورد لعنت خدا هستند، همان گونه که می فرماید: «لاَمْلاَنَّ جَهَنَّمَ مِنْکَ وَ مِمَّنْ تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعينَ»(3)، و یا می فرماید: «وَ إِنَّ عَلَيْکَ لَعْنَتی إِلی يَوْمِ الدّينِ»(4)، و یا می فرماید: «تَبَّتْ يَدا أَبی لَهَبٍ وَ تَبَّ * ما أَغْنی عَنْهُ مالُهُ وَ ما كَسَبَ * سَيَصْلی نارا ذاتَ لَهَبٍ» (5)، و چون وضع این افراد چنین است استدلال شما بیهوده خواهد بود.

2_ پاسخ دوّم این است که کفّار در رجعت برای انتقام زنده می شوند و توبه ای از آنان پذیرفته نخواهد شد. آنان مانند فرعون خواهند بود که هنگام غرق شدن و مرگ گفت: «آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ

1- سوره انعام: 111.
2- سوره انفال: 22 _ 23.
3- سوره ص: 85 .
4- سوره ص: 78.
5- سوره مسد: 1 _ 3.

الَّذی آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرائیلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ» (1)، و خداوند در پاسخ او فرمود: «آلْآنَ وَ قَدْ عَصَیْتَ قَبْلُ وَ کُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدینَ» (2).

و جواب صحیح طبق مذهب امامیّه همین است و قرائن و نشانه هایی نیز در سخنان معصومین علیهم السلام برای آن یافت می شود.

در تفسیر آیه شریفه «یَوْمَ یَأْتی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْسا إیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فی إیمانِها خَیْرا قُلِ انْتَظِرُوا إِنّا مُنْتَظِرُونَ» (3)، معصومین علیهم السلام فرموده اند: «این آیه مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است و هنگامی که قیام می کند، توبه مخالف پذیرفته نخواهد شد.»

شیخ مفید رحمه الله در مسائل سرویّه بعد از استدلال به آیات و روایات گذشته می فرماید: عدّه ای از مخالفین به ما می گویند: چگونه ممکن است کفّار بعد از زنده شدن و معاینه عذاب باز به طغیان خود ادامه بدهند؟ در حالی که آنان در برزخ عذاب و کیفر عمل خود را دیده اند و دانسته اند که در دنیا بر باطل و کفر به سر برده اند؟ و من در پاسخ آنان گفته ام: این مسأله عجیب تر از مسأله کفّار نیست که در برزخ عذاب را مشاهده می کنند و می پذیرند که در دنیا در گمراهی و ضلالت بوده اند و می گویند: «یا لَیْتَنا نُرَدُّ وَ لا نُکَذِّبُ بِآیاتِ رَبِّنا وَ نَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ» (4)، و خداوند در پاسخ آنان می فرماید: «بَلْ بَدا لَهُمْ ما کانُوا یُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ

1- سوره یونس: 90.
2- سوره یونس: 91.
3- سوره انعام: 158.
4- سوره انعام: 27.

وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُو عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ» (1)، یعنی: «آنان به حقیقت حال خود آگاه شدند و اگر آنان بازگردانده شوند و به دنیا بازگردند به همان اعمال گذشته خود ادامه می دهند و در گفتار خود که می گویند «وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» دروغگو هستند.» با این بیان برای مخالفین ما در مسأله رجعت شبهه ای باقی نمی ماند. (2)والمنّه للّه فیما ذکرناه.

مرحوم سیّد مرتضی علم الهدی نیز در پاسخ به سؤالاتی که اهل ری درباره رجعت از او کرده اند می فرماید: بدان که شیعه امامیّه معتقد است که خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان علیه السلام گروهی از شیعیان را باز زنده می نماید تا به ثواب نصرت و یاری امام زمان و مشاهده دولت آن حضرت نائل شوند و گروهی از دشمنان آنان را نیز زنده می کند تا از آنان انتقام گرفته شود و شیعیان از آن لذّت ببرند و دلیل صحّت این اعتقاد این است که این وعده، امر مستحیلی نیست و قدرت خداوند به آن تعلّق می گیرد [و وقوع آن را معصومین علیهم السلام خبر داده اند].

و لکن بسیاری از مخالفین ما آن را محال پنداشته، و با توجّه به این که رجعت قابل امکان است و از قدرت خداوند دور نیست، شیعیان امامیّه اتّفاق و اجماع دارند که چنین چیزی واقع خواهد شد و این اجماع کاشف از دخول معصوم در آن است و در بین شیعیان احدی مخالف با مسأله رجعت نیست و معنای آن تنها رجوع دولت حقّه نیست بلکه رجوع اشخاص به دنیا و زنده شدن مجدّد اموات

1- سوره انعام: 28.
2- بحارالأنوار: 53 / 132.

است و منافاتی با تکلیف نیز ندارد. (1)

مرحوم طبرسی در احتجاجات و نجاشی نیز روایت کرده اند که بین مؤمن طاق و ابوحنیفه حکایات فراوانی درباره رجعت رخ داده است.

روزی ابوحنیفه به مؤمن طاق گفت: «شما قائل به رجعت هستید؟» مؤمن طاق گفت: «آری.» ابوحنیفه گفت: «پانصد دینار از این کیسه خود به من بده و من در رجعت به تو بازخواهم داد.» مؤمن طاق گفت: «باید کسی ضمانت کند که تو در رجعت به صورت انسان باشی و به صورت میمون نباشی تا من بتوانم مال خود را از تو پس بگیرم.»(2)

سیّد بن طاووس در کتاب طرائف گوید: مسلم در کتاب صحیح خود در اوایل جزء اوّل روایتی را با سند خود از جرّاح بن ملیح نقل کرده که گوید: من از جابر شنیدم که می گفت: هفتاد هزار حدیث از حضرت باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد من موجود است. (3)

سپس مرحوم سیّد گوید: آنان این احادیث فراوان را رها کردند، تا این که گوید:

مسلم با سند خود در کتاب صحیح گوید: محمّد بن عمر رازی گفت: از حریز شنیدم که می گفت: من جابر بن یزید جعفی را ملاقات نمودم و حدیثی از احادیث او را نقل نکردم به خاطر این که او اعتقاد به رجعت داشت.

1- حقّ الیقین: 2 / 34؛ بحارالأنوار: 53 / 138.
2- بحارالأنوار: 53 / 107؛ احتجاج: 2 / 148.
3- رجال نجاشی: 326.

سیّد بن طاووس گوید: شما ببینید، اهل سنّت چگونه خود را از هفتاد هزار حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله محروم نموده اند چرا که این احادیث به روایت ابوجعفر باقر علیه السلام _ که از اعیان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است _ نقل شده است، و آن حضرت مردم را امر نموده که به اهل بیت خود علیهم السلام تمسّک نماید؟! این برخورد آنان است با مسأله رجعت در حالی که اکثر مسلمانان بلکه همه آنان احیای اموات را در دنیا روایت کرده اند و حدیث احیای اموات در قبر برای سؤال نزد آنان مسلّم است و آنان ماجرای اصحاب کهف را نیز نقل نموده اند و بالاتر از همه این ها، این که کتاب خدا می گوید: «أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ...»، و نیز هفتاد نفری که موسی علیه السلام با خود به میقات برد و ماجرای عزیر و کسانی که عیسی علیه السلام با اذن خداوند آنان را زنده نمود. ادلّه روشنی است برای اثبات رجعت، از این رو، باید به مخالفین رجعت گفت: آیا مسأله رجعت مانند موارد فوق نیست و آیا به خاطر این که رجعت را اهل بیت علیهم السلام و شیعه نقل نموده اند باید مورد انکار قرار بگیرد و آیا جرم جابر چیست که باید به خاطر اعتقاد به رجعت به احادیث او توجّه نشود؟! (1)

مرحوم علاّمه سیّد عبداللّه شبّر در پایان بحث رجعت گوید: تو دانستی که آیات فراوان و اخبار قطعی و متواتری درباره رجعت وارد شده است و علمای متقدّمین و متأخّرین از شیعیان اهل بیت علیهم السلام اصل رجعت را تأیید نموده و شکّ و شبهه ای در آن نیست و منکر آن

1- حقّ الیقین: 2 / 34 _ 35.

خارج از مسلمین محسوب می شود چرا که آن از ضروریّات مذهب ائمّه اهل بیت علیهم السلام است و مسأله رجعت کم از مسائلی مانند صراط و میزان و امثال آنها نیست و ادلّه آن اگر بیش از ادلّه صراط و میزان و امثال آنها نباشد کمتر از آنها نیست، بنابر این ایمان به اصل رجعت معصومین علیهم السلام و بازگشت بعضی از کفّار و مؤمنین به دنیا واجب خواهد بود و خصوصیّات و تفصیل آن را باید به معصومین علیهم السلام واگذار نمود.

اخبار و احادیث در رجعت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهماالسلام متواتر و قطعی است و در مورد بقیّه ائمّه علیهم السلام قریب به تواتر است و در مورد کیفیّت رجوع ائمّه علیهم السلام و ترتیب رجوع آنان به دنیا، باید توقّف نمود و علم آن را به خدا و اولیای او واگذار نمود. [همان گونه که علم به خصوصیّات قیامت و مواقف آن، مانند صراط و میزان و حساب و سؤال و... را باید به خداوند و اولیای او واگذار کرد. (1)]

مؤلّف گوید: آنچه تاکنون گذشت خلاصه ای از ادلّه رجعت و نظر علمای شیعه و مخالفین درباره رجعت بود، اکنون باید آیات و روایات مربوط به رجعت را، برای روشن شدن کامل این مسأله، بررسی نمود.

1- همان: 2 / 35.

مرحوم علاّمه سیّد عبداللّه شبّر در کتاب «حقّ الیقین» دوازده آیه از قرآن را درباره رجعت بیان نموده و تفاسیر ائمّه اهل بیت علیهم السلام را نیز در ذیل آنها ذکر کرده است گرچه برخی از آنها در مباحث پیشین گذشت. و لکن بر هر مسلمانی لازم است که از این آیات و تفاسیر معصومین علیهم السلام در ذیل آنها آگاهی پیدا کند. (1)

1_ «وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجا مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیاتِنا»(2). این آیه صریح در این است که برخی از مردم را خداوند پس از مرگ باز زنده می کند و این غیر از قیامت خواهد بود چرا که در قیامت همه مردم زنده می شوند، چنان که خداوند می فرماید: «وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَدا».

مرحوم علیّ بن ابراهیم قمّی در تفسیر آیه اوّل از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «آیا مردم [یعنی مخالفین] درباره آن چه می گویند؟» راوی گفت: «آنان می گویند: این آیه مربوط به قیامت است.» امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا در قیامت از هر امّتی گروهی زنده می شوند و بقیّه در قبرها می مانند؟!» سپس فرمود: «این آیه مربوط به

1- حقّ الیقین: 2 / 3 _ 8 .
2- سوره نمل: 83 .

زمان رجعت است و آیه مربوط به قیامت آیه «وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَدا» می باشد.» سپس گوید: روایات به این معنا فراوان است. (1)

2_ «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النّاسَ كانُوا بِآياتِنا لا يُوقِنُونَ» (2)، یعنی: «هنگامی که عذاب و یا وعده قیامت بر آنان واجب می شود، ما "دابّه الأرض" را برای آنان فرومی فرستیم تا با آنان با زبانی که مفهوم شود سخن بگوید و به آنان گفته شود: مردم به آیات الهی یقین و اعتقاد پیدا نکرده اند.»

در اخبار فراوانی آمده که مقصود از «دابّه الأرض» امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام است، و او قبل از قیامت از قبر خارج خواهد شد و عصای موسی علیه السلام و خاتم سلیمان علیه السلام به دست اوست و با عصای موسی بین دو چشم مؤمن می نویسد: او مؤمن است و بین دو چشم کافر می نویسد: او کافر است.

مرحوم قمّی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام در حدیث صحیح نقل نموده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام برخورد نمود و چون دید او در مسجد روی زمین خوابیده و مقداری از خاک را زیر سر خود قرار داده است و به خواب رفته، او را تکان داد و فرمود: «قم یا دابّه الأرض»، یعنی: ای «دابّه الأرض» برخیز. پس یکی از اصحاب عرض کرد: یا رسول اللّه، آیا ما می توانیم فرزندان خود را به این اسم

1- حقّ الیقین: 2 / 3.
2- سوره نمل: 82 .

نامگذاری کنیم؟ فرمود: «خیر، به خدا سوگند، این اسم فقط برای اوست و او همان دابّه الأرض است که خداوند می فرماید: «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دابَّةً مِنَ الْأَرْضِ».»

سپس فرمود: «یا علی، هنگامی که آخرالزّمان فرامی رسد، خداوند تو را در بهترین صورت از قبر خارج می کند و در دست تو آلتی است [یعنی عصای موسی[که به وسیله آن به پیشانی و بین دو چشم مردم نشانه ایمان و کفر را نقش خواهی نمود.»

پس شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: اهل سنّت می گویند: «دابّه الأرض تَكْلِمُهُم» یعنی یجرحهم؟ فرمود: «خدا آنان را در دوزخ مجروح نماید، تکلّمهم از کلام و سخن گفتن است نه به معنای مجروح نمودن.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: شخصی به عمّار یاسر گفت: آیه ای از آیات قرآن مرا دگرگون نموده و به شکّ انداخته است. عمّار گفت: کدام آیه؟ او گفت: آیه «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ...» مرا متحیّر نموده که دابّه الأرض چیست؟ عمّار گفت: به خدا سوگند، روی زمین نمی نشینم و آب و غذا نمی خورم تا او را به تو نشان بدهم. سپس او را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آورد و آن حضرت خرما می خورد. پس به عمّار فرمود: بیا بنشین. عمّار نشست و مشغول خوردن خرما شد و آن مرد تعجّب نمود و چون عمّار برخاست آن مرد گفت: سبحان اللّه! تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیاشامی و ننشینی تا دابّه الأرض را به من نشان بدهی! عمّار گفت: اگر عاقل باشی من او را به تو نشان

دادم.(1)

مؤلّف گوید: اهل سنّت نیز این روایت را با اختلاف مختصری در عبارات نقل کرده اند، و امیرالمؤمنین علیه السلام بارها در سخنان و خطبه های خود می فرمود: «من صاحب عصا و میسم [یعنی آلت علامت گذاری] هستم.»

اهل سنّت از ابوهریره و ابن عبّاس و اصبغ بن نباته نقل کرده اند که «دابه الأرض» در آیه فوق، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

اصبغ بن نباته گوید: معاویه به من گفت: شما شیعه ها گمان کرده اید که دابّه الأرض، علیّ بن ابی طالب[علیه السلام] است؟ گفتم: ما می گوییم: علمای یهود چنین گفته اند. پس معاویه رأس الجالوت یهودی را احضار نمود و به او گفت: «دابه الأرض» نزد شما کیست؟ رأس الجالوت گفت: او مردی است. معاویه گفت: آیا اسم او را می دانی؟ رأس الجالوت گفت: آری، اسم او «إلیا» می باشد. پس معاویه رو به من کرد و گفت: ای اصبغ چقدر «إلیا» به علی نزدیک می باشد؟!(2)

3_ «إِنَّ الَّذی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ» (3)، یعنی: «خدایی که قرآن را بر تو واجب نمود، تو را به میعادت بازخواهد گرداند.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «به خدا سوگند، جز

1- حقّ الیقین: 2 / 4.
2- همان.
3- سوره قصص: 85 .

این نیست که دنیا تمام نخواهد شد تا این که رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهماالسلام به دنیا بازخواهند گشت و یکدیگر را ملاقات خواهند کرد و در مسجدی در کوفه که دوازده هزار در دارد اقامت خواهند نمود.»

امام سجّاد علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «پیامبر شما یکبار دیگر به شما بازخواهند گشت.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «خدا جابر را رحمت کند، علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را می دانست و می گفت: این آیه مربوط به رجعت است.» (1)

4_ «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ»(2)، یعنی: «هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: «هر کسی با شمشیر کشته شود، ناچار باید به دنیا بازگردد تا طعم مرگ را بچشد و در فراش خود بمیرد.»

و در تفسیر آیه «وَ لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لاَءِلَی اللّهِ تُحْشَرُونَ»(3)، یعنی: «اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید، به خدا بازخواهید گشت.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود از کشته شدن در راه خدا، کشته شدن در راه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.» سپس فرمود: «هر کس ایمان به این آیه داشته باشد، دو مردن دارد: 1_ اگر در راه من کشته

1- حقّ الیقین: 2 / 4.
2- سوره آل عمران: 185.
3- همان: 158.

شود، زنده خواهد شد و باز خواهد مرد، و اگر بمیرد نیز زنده خواهد شد تا در راه خدا کشته شود.»(1)

5 _ «وَ إِذْ أَخَذَ اللّهُ میثاقَ النَّبِیّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلی ذلِکُمْ إِصْری قالُوا أَقْرَرْنا قالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَکُمْ مِنَ الشّاهِدینَ» (2)، یعنی: «هنگامی که خداوند از پیامبران میثاق گرفت و فرمود: آن گاه که به شما کتاب و حکمت دادم و سپس برای شما رسولی آمد و شریعت شما را تصدیق نمود، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید و شما در پیشگاه خداوند اقرار کردید و خداوند فرمود: شما شاهد باشید من نیز شاهد خواهم بود.»

اخبار فراوانی وارد شده که مقصود از «وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» یاری نمودن پیامبر خدا حضرت محمّد صلی الله علیه و آله در رجعت است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق می فرماید: «خداوند هیچ پیامبری از پیامبران را از زمان آدم تا زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مبعوث به رسالت نکرده جز آن که باز به دنیا بازمی گردند و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری می کنند و مقصود از «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ»، ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مقصود از «وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، یاری کردن امیرالمؤمنین علیه السلام است.»

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه فوق می فرماید: «لیؤمننّ برسول اللّه صلی الله علیه و آله و لینصرنّ علیّا علیه السلام »، سپس فرمود: «به خدا سوگند هر پیامبری از زمان آدم تاکنون آمده، به دنیا بازخواهد گشت و در رکاب علیّ بن

1- همان: 5 .
2- همان: 81 .

ابی طالب علیه السلام با دشمنان او جنگ خواهد نمود.» (1)

حسن بن سلیمان در کتاب منتخب بصائر الدّرجات از کتاب وحدت از عاصم بن حمید از امام محمّد باقر علیه السلام نقل نموده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند تبارک و تعالی احدِ واحد است و در وحدانیّت خود یگانه است، او به کلمه ای تکلّم نمود و نوری به وجود آمد و از آن نور، محمّد و من و ذرّیّه من را آفرید، سپس تکلّمی نمود و از آن، روح را آفرید و آن را در آن نور قرار داد و آن نور را در بدن های ما ساکن کرد، بنابر این ما روح خدا و کلمات او هستیم و به ما، خداوند بر مخلوق خود احتجاج می کند، پس ما همواره در زیر سایه سبزی بودیم که در آن وقت نه خورشیدی بود و نه ماهی و نه شبی بود و نه روزی و نه چشمی بود که جایی را ببیند و ما خدای خود را عبادت و تقدیس و تسبیح می کردیم و این قبل از خلقت خلق عالم بود.»

تا این که فرمود: «خداوند از پیامبران برای ما پیمان ایمان و نصرت گرفت، چنان که می فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ میثاقَ النَّبِیّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلی ذلِکُمْ إِصْری قالُوا أَقْرَرْنا قالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَکُمْ مِنَ الشّاهِدینَ»، یعنی: به پیامبران گفته شد: باید به محمّد ایمان بیاورید و وصیّ او را یاری کنید. و زود است که آنان همگی وصیّ پیامبر صلی الله علیه و آله را یاری کنند. و خداوند از من و محمّد صلی الله علیه و آله پیمان گرفت که یکدیگر را یاری نماییم و من محمّد صلی الله علیه و آله را یاری نمودم و در

1- حقّ الیقین: 2 / 5 .

رکاب او با دشمنان جنگیدم و دشمنان او را کشتم و به عهد خود با خدا وفا کردم و هنوز احدی از پیامبران و مرسلین مرا یاری نکرده اند و آنان پس از مرگ بازخواهند گشت و مرا یاری خواهند نمود و من بر شرق و غرب عالم حاکم خواهم شد و خداوند پیامبران را از آدم تا خاتم زنده خواهد کرد و آنان مقابل من شمشیر خواهند زد و شمشیر خود را بر سر احیا و اموات و جنّ و انس [از دشمنان ما] خواهند کوبید و چقدر عجیب است که خداوند اموات را زنده می کند و گروه گروه به من می گویند: لبّیک یا داعی اللّه، و در بازار کوفه جمع می شوند و شمشیرهای خود را برهنه می کنند و بر فرق کفّار و جبّاران و پیروان آنان از اوّلین و آخرین وارد می نمایند تا این که خداوند وعده خود را [به مستضعفین] عملی می نماید، چنان که می فرماید: «وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنا یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئا» 1(1)، یعنی: در آن زمان بندگان خدا با امن و امان خدا را عبادت خواهند نمود و از احدی هراس نخواهند داشت و تقیّه ای برای آنان نخواهد بود.»

سپس فرمود: «برای من بازگشت ها و رجعت هایی خواهد بود و من صاحب رجعت ها و بازگشت هایی هستم و من صاحب صولات و حمله ها و انتقام ها و دولت های عجیبی هستم و من حصن و قلعه آهنین و بنده خدا و برادر رسول اللّه و امین خدا و خازن سرّ او و

1- سوره نور: 55 .

حجاب او و وجه اللّه و صراط اللّه و میزان اللّه هستم و من [نخستین کسی هستم که] در قیامت محشور می شوم و من کلمه اللّه هستم که خداوند به وسیله من دورافتاده ها را جمع می نماید و جمع شده ها را متفرّق می سازد، و من اسماء اللّه الحسنی و امثاله العلیا و آیه الکبرا و صاحب بهشت و دوزخ هستم. من اهل بهشت را در بهشت و اهل دوزخ را در دوزخ اسکان می دهم و من اهل بهشت را به همسرانشان تزویج می کنم و دوزخیان را به دوزخ می فرستم و بازگشت همه خلق به من خواهد بود و من هستم که بازگشت همه بعد از قضا به من خواهد بود و حساب آنان با من می باشد و من هستم صاحب الهنات [الهبات]، و من هستم کسی که بر اعراف اذان می گوید، و من هستم بارز الشّمس، یعنی کسی که در صفحه خورشید دیده می شود و من هستم دابّه الأرض و من هستم قسمت کننده دوزخ و خازن بهشت و صاحب اعراف و من هستم امیرالمؤمنین و یعسوب متّقین و نشان سابقین و لسان ناطقین و خاتم الوصیّین و وارث پیامبر و خلیفه ربّ العالمین و صراط مستقیم او و میزان او و حجّت بر اهل آسمان ها و زمین و آنچه در آنها و بین آنهاست و من هستم کسی که خداوند به واسطه من در ابتدای آفرینش بر شما حجّت خود را تمام نمود و من هستم شاهد روز قیامت و من هستم عالم به علم منایا و بلایا و قضایا و فصل خطاب و انساب و من هستم صاحب معجزات پیامبرانی که در پنهان به سر برند و من هستم صاحب عصا و میسم و من هستم که خداوند ابر و رعد و برق و تاریکی و ظلمت و کوه ها و دریاها و

ستارگان و خورشید و ماه را برای من مسخّر نمود و من هستم آن شاخ آهنین و من هستم فاروق و هادی این امّت و من هستم که با اذن خدا عدد هر چیزی را می دانم و من هستم که به اسراری که خداوند نزد محمّد سپرد و او نیز به من سپرد آگاه هستم و من هستم که خداوند نام خود را به من عطا نمود و من کلمه و حکمت و علم و فهم او هستم.»

سپس فرمود: «ای مردم! [اسألونی قبل أن تفقدونی]، هرچه می خواهید از من سؤال کنید قبل از آن که مرا نیابید.»

تا این که فرمود: «خدایا! من تو را گواه می گیرم و از این مردم به تو شکایت می نمایم و لاحول و لاقوّه الاّ باللّه العلیّ العظیم و الحمد للّه متّبعین أمره.» (1)

6 _ «وَ لَنُذیقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَذابِ الْأَکْبَرِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» (2)، یعنی: «ما قبل از قیامت عذاب دنیا را به آنان خواهیم چشاند تا شاید از خطای خود بازگردند.»

علیّ بن ابراهیم قمّی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود:

«عذاب ادنی عذاب زمان رجعت است که توسّط شمشیر انجام می گیرد و عذاب اکبر در قیامت خواهد بود و معنای "لعلّهم یرجعون" رجوع در رجعت است و آنان در رجعت عذاب خواهند شد.» (3)

7_ «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَیْنِ وَ أَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَلْ إِلی خُرُوجٍ

1- حقّ الیقین: 2 / 6 _ 7؛ بحارالأنوار: 53 / 48.
2- سوره سجده: 21.
3- بحارالأنوار: 53 / 48.

مِنْ سَبیلٍ» (1)، یعنی: «پروردگارا، تو دو مرتبه ما را میراندی و دو مرتبه زنده نمودی و ما به گناهان خود اعتراف کردیم آیا از این پس برای ما راه خروجی هست؟»

علیّ بن ابراهیم قمّی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «یکی از این دو عذاب در رجعت خواهد بود [و یکی از دو احیا و زنده شدن نیز در رجعت می باشد و دیگری در قیامت است].»

علیّ بن ابراهیم گوید: آیه فوق بسیار روشن است و احتمالات دیگری که مفسّرین تکلّف نموده اند خطاست.

8 _ «إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ» (2)، یعنی: «ما پیامبران و مؤمنین را در دنیا یاری خواهیم نمود و در قیامت نیز آنان را یاری می نماییم.»

مرحوم قمّی در تفسیر و سعد بن عبداللّه از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند که فرمود: «به خدا سوگند، مقصود از یاری کردن خدا در این دنیا، زمان رجعت است، مگر نمی دانی بیشتر پیامبران خدا را کسی یاری نکرد تا کشته شدند و نیز ائمّه بعد از آنان را کسی یاری نکرد تا کشته شدند؟!» (3)

9_ «وَ جَعَلَ فیکُمْ أَنْبِیاءَ وَ جَعَلَکُمْ مُلُوکا» (4)، یعنی: «خداوند شما را پیامبران و ملوک قرار داد.»

سلیمان دیلمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصود از انبیا

1- سوره غافر: 11.
2- همان: 51 .
3- همان.
4- سوره مائده: 20.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابراهیم و اسماعیل و ذرّیه اوست، و مقصود از ملوک ائمّه هستند.» سلیمان دیلمی گوید: به آن حضرت عرض کردم: آن چه ملکی است که خدا به شما می دهد؟ فرمود: «ملک بهشت و ملک زمان رجعت.» (1)

10_ «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهیدا» (2).

مرحوم قمّی در تفسیر خود گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا بازمی گردد و رجعت می نماید، همه مردم به او ایمان می آورند.

شهر بن حوشب گوید: حجّاج به من گفت: یک آیه در قرآن مرا ناتوان کرده و من نتوانستم آن را بفهمم. گفتم: ای امیر، آن آیه چیست؟ حجّاج گفت: این آیه: «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ...». سپس گفت: به خدا سوگند، من دستور می دهم یهودی و یا نصرانی را گردن بزنند و به دقّت به او نگاه می کنم و نمی بینم که لب های او حرکت کند تا این که جان می دهد. پس من گفتم: _ أصلح اللّه الأمیر _ معنای این آیه این چنین نیست. حجّاج گفت: معنای آن چیست؟ گفتم: عیسی علیه السلام قبل از قیامت به دنیا بازمی گردد و ملّت یهود و غیر یهود قبل مردن به او ایمان می آورند و او پشت سر مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله نماز می خواند. حجّاج گفت: این معنا را از کجا به دست آوردی؟! گفتم: محمّد بن علیّ بن حسین بن علیّ بن ابی طالب برای من حدیث نمود. حجّاج گفت: به خدا سوگند، این معنا را از چشمه

1- سوره مائده: 7.
2- سوره نساء: 159.

زلال علم فراگرفته ای. (1)

11_ «وَ حَرامٌ عَلی قَرْیَهٍ أَهْلَکْناها أَنَّهُمْ لا یَرْجِعُونَ» (2)، یعنی: «حرام است اهل قریه ای که ما آنان را هلاک نموده ایم به دنیا بازگردند.»

در تفسیر مرحوم قمّی حدیث صحیحی از ابوبصیر و محمّد بن مسلم از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام نقل شده که فرموده اند: «هر قریه ای که خداوند اهل آن را با عذاب هلاک نموده باشد، در رجعت، به دنیا بازنمی گردند.»

این آیه بزرگ ترین دلیل برای اثبات رجعت است چرا که همه اتّفاق دارند که مردم کلاًّ بعد از مردن در قیامت محشور می شوند خواه با عذاب مرده باشند و خواه به غیر عذاب و معلوم است که در این آیه خداوند می فرماید کسانی که به وسیله عذاب مرده باشند در رجعت بازنمی گردند بلکه در قیامت بازخواهند گشت.

12_ «وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ» (3)، یعنی: «ما اراده کرده ایم که بر مستضعفین روی زمین [از بندگان خود[منّت گذاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارث گذشتگان قرار دهیم.» (4)

مؤلّف گوید: تفسیر این آیه در بحث های پیشین گذشت.

1- حقّ الیقین: 2 / 3 _ 8 .
2- حقّ الیقین: 2 / 8 .
3- سوره انبیاء: 95.
4- سوره قصص: 5 .

سخنان معصومین علیهم السلام درباره رجعت فراوان است و برخی از علما آنها را در حدّ تواتر و مسلّمات دانسته اند.

شکست لشکر شیطان در رجعت

در کتاب بصائر الدّرجات از خثعمی نقل شده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «ابلیس به خدا گفت: مرا تا قیامت مهلت بده و خداوند از او نپذیرفت و فرمود: تو تا وقت معلوم و روز معلوم [یعنی هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام] مهلت داری، و چون وقت معلوم و روز معلوم می رسد، ابلیس با جمیع پیروان [و فرزندان[خود از زمان آدم تا آن روز جمع می شوند، و آن روز آخرین بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا می باشد.»

خثعمی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا امیرالمؤمنین علیه السلام چندین مرتبه به دنیا رجعت دارد؟ فرمود: «آری، نه تنها او، بلکه هر امامی که در زمانی می زیسته است با مردم آن زمان از خوب و بد با او رجعت خواهند داشت، تا این که خداوند مؤمن را بر کافر غالب نماید.

و چون وقت معلوم می رسد، امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحاب خود به دنیا بازمی گردد و ابلیس نیز با فرزندان و یاران خود می آیند و وعده گاه آنان در زمینی از زمین های فرات خواهد بود که به آن "روحا" گفته

می شود و نزدیک به کوفه شماست، پس جنگ سختی بین امیرالمؤمنین و اصحابش با ابلیس و یارانش رخ می دهد که تاکنون چنین جنگی در عالم رخ نداده است و مثل این که من می بینم اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام یکصد قدم به عقب بازمی گردند و پاهای برخی از آنان در فرات قرار می گیرد.

در این هنگام آیات عذاب الهی از لابه لای ابرها همراه با ملائکه عذاب فرود می آید و امر خداوند به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام می گیرد و به دست آن حضرت حربه ای از نور خواهد بود و چون ابلیس این منظره را مشاهده می کند به عقب بازمی گردد و یاران او می گویند: کجا می روی ما که پیروز شدیم! او می گوید: من چیزی را می بینم که شما نمی بینید، من از خدای ربّ العالمین می ترسم. پس در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله با حربه خود ضربه ای بر او وارد می کند و او و همراهان او هلاک می شوند و از آن پس پرستش مخصوص خداوند می شود و کسی مشرک نخواهد بود و امیرالمؤمنین علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت می نماید تا این که یکی از شیعیان او هزار فرزند پسر به دنیا می آورد و دو باغستان سبز اطراف مسجد کوفه آن گونه که خدا می خواهد ظاهر می گردد.» (1)

در همان کتاب با همان سند یاد شده از امام صادق علیه السلام نیز نقل

ص: 40

1- مختصر بصائر الدّرجات: 26؛ حقّ الیقین: 2 / 8 .

شده که فرمود: «متولّی حساب مردم قبل از قیامت حسین بن علیّ علیهماالسلام خواهد بود...».

و در بصائر الدّرجات نیز با سندهای متعدّد از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اوّلین کسی که در رجعت به دنیا بازمی گردد، حسین بن علیّ علیهماالسلام است، او به قدری زنده می ماند و حکومت می کند که از پیری ابروهای او روی چشمانش قرار می گیرد.» (1)

در همان کتاب نیز از موسی بن جعفر علیهماالسلام نقل شده که فرمود: «گروهی از مردگان به دنیا بازخواهند گشت و هر که بی گناه کشته شده است، از قاتل او قصاص خواهد شد و شکنجه گران شکنجه خواهند شد و کسی را که به خشم آورده باشند، او صاحب خود را به خشم خواهد آورد و دشمنان اهل ایمان بازمی گردند تا از آنان انتقام گرفته شود و سپس سی ماه عمر می کنند و در یک شب از دنیا می روند، در حالی که قلب های اهل ایمان تشفّی می یابد و دشمنانشان به عذاب سخت گرفتار می شوند و سپس در قیامت حضور می یابند و خداوند حقوق آنان را از دشمنانشان دریافت می نماید.» (2)

معاویه بن عمّار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مقصود از آیه «فَإِنَّ لَهُ مَعیشةً ضَنْکا»(3) چیست؟ فرمود: «به خدا سوگند، این آیه مربوط به

1- حق الیقین: 2 / 9؛ مختصر بصائر الدّرجات: 27.
2- مختصر بصائر الدّرجات: 28.
3- سوره طه: 124.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام است.» گفتم: فدای شما بشوم، ما می بینیم آنان در تمام عمر با عافیت زندگی می کنند تا این که از دنیا می روند؟ فرمود: «به خدا سوگند، آنان در رجعت به قدری تنگنایی پیدا می کنند که مدفوع خود را می خورند.» (1)

قطب راوندی در کتاب خرائج از جابر از امام باقر علیه السلام نقل نموده که امام حسین علیه السلام قبل از آن که شهید شود، به اصحاب خود فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: فرزند عزیزم تو را به عراق می برند و آن سرزمینی است که پیامبران و اوصیای آنان در آن قدم گذارده اند و آن را غمور گویند و تو در آن سرزمین با اصحاب خود شهید می شوید و اصحاب تو زخم شمشیر را احساس نمی کنند، سپس این آیه را تلاوت نمود: «یا نارُ کُونی بَرْدا وَ سَلاما عَلی إِبْراهیمَ»(2)، و فرمود: جنگ برای تو و آنان سرد و سلامت می شود.»

سپس به اصحاب خود فرمود: «بشارت باد شما را، به خدا سوگند اگر ما را بکشند، ما بر پیامبرمان صلی الله علیه و آله وارد می شویم، سپس [تا خدا بخواهد] با آنان خواهم بود و من نخستین کسی خواهم بود که در رجعت سر از خاک برمی آورم، همان هنگام که پدرم امیرالمؤمنین سر از خاک برمی آورد و قائم ما قیام می نماید. سپس ملائکه ای بر من نازل می شوند که تاکنون به زمین نیامده اند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

1- مختصر بصائر الدرجات: 28.
2- سوره انبیاء: 69 .

و لشکرهایی از ملائکه نیز برای من فرود می آیند و نیز حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و علی و من و برادرم حسن و کسان دیگری که خداوند بر آنان منّت نهاده بر اسب هایی از نور سوار می شویم، که تاکنون کسی بر آنان سوار نشده است.

سپس حضرت محمّد صلی الله علیه و آله پرچم خود را به اهتزاز درمی آورد و آن را با شمشیر خود به دست قائم ما می دهد. سپس ما تا هر زمان که خدا بخواهد این گونه خواهیم بود و خداوند از مسجد کوفه سه نهر جاری خواهد نمود: 1_ نهر روغن، 2_ نهر آب، 3_ نهر شیر. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می دهد و مرا به مشرق و مغرب عالم می فرستد و من به هر دشمن خدایی می رسم خون او را می ریزم و هر بتی را آتش می زنم، تا این که به هند می رسم و آن را فتح می کنم و دانیال و یونس [و یوشع] نزد امیرالمؤمنین علیه السلام می آیند و می گویند:

خدا و رسول او[صلی الله علیه و آله] راست گفتند، و خداوند دانیال و یونس را با هفتاد نفر به بصره می فرستد و آنان با مخالفین جنگ می کنند و لشکری نیز به روم می فرستند و خداوند آنان را بر رومیان پیروز می کند، سپس من هر جنبنده حرام گوشتی را می کشم تا این که روی زمین جز [غذای پاک و حلال و] طیّب باقی نماند. و اسلام را بر یهود و نصاری و سایر ملل عرضه می نمایم و آنان را مخیّر بین اسلام و شمشیر می کنم، پس کسی که مسلمان شود بر او منّت می گذارم [و آزادش می نمایم] و کسی که اسلام را نپذیرد خداوند خون او را

می ریزد [و هدر می دهد].

و کسی از شیعیان ما نمی ماند جز این که خداوند ملکی را بر او نازل می نماید و آن ملک غبار از صورت او برطرف می کند و همسران و منازل او را در بهشت به او نشان می دهد و هر که در روی زمین [از شیعیان] نابینا و یا زمین گیر و یا مبتلا بوده باشد، خداوند به واسطه ما او را عافیت می دهد و برکت از آسمان نازل می شود، تا جایی که درخت از بس میوه می دهد شاخه او شکسته می شود و مردم میوه زمستان را در تابستان می خورند و میوه تابستان را در زمستان می خورند. همان گونه که خداوند می فرماید: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ»(1)، سپس خداوند به شیعیان ما کرامت می کند و چیزی برای آنان پوشیده نمی باشد حتّی اگر یکی از آنان بخواهد بداند که اهل بیت او چه می کنند، می داند و به آنان خبر می دهد که شما چه کرده اید.» (2)

مرحوم صدوق در کتاب عیون از حسن بن جهم نقل نموده که گوید: مأمون الرّشید به امام هشتم علیه السلام گفت: یا اباالحسن، شما درباره رجعت چه می گویید؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: «رجعت حقّ است و در امّت های پیشین نیز بوده و قرآن ناطق به آن است و رسول خدا صلی الله علیه و آله

1- سوره اعراف: 96.
2- حقّ الیقین: 2 / 10؛ مختصر بصائر الدّرجات: 18.

نیز فرمود: هر چه در امّت های پیشین بوده در این امّت نیز بدون کم و کاست خواهد بود.» سپس فرمود: «هنگامی که از فرزندان من مهدی قیام می کند، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند.» (1)

و فرمود: «اسلام ابتدا غریب بوده و در نهایت نیز غریب خواهد بود و خوشا به حال مسلمانانی که در زمان غربت اسلام خواهند زیست.» گفته شد: یا رسول اللّه سپس چه خواهد شد؟ فرمود: «حقّ به اهلش بازمی گردد...». (2)

مرحوم عیّاشی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «خلفای جور نامی را بر خود گذاردند که خداوند آن نام را شایسته احدی جز علیّ بن ابی طالب ندانسته است. یعنی نام امیرالمؤمنین[علیه السلام]، و هنوز تأویل آن نیامده است.» گفتم: فدای شما شوم، تأویل آن چه زمانی خواهد آمد؟ فرمود: «هنگامی تأویل آن می آید که خداوند پیامبران و مؤمنین را مقابل امیرالمؤمنین[علیه السلام [حاضر می کند تا او را یاری نمایند و خداوند در آیه «وَ إِذْ أَخَذَ اللّهُ میثاقَ النَّبِیّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ...» تا «أَنَا مَعَکُمْ مِنَ الشّاهِدینَ» همان گونه که گذشت به آن اشاره نموده است. و در آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم خود را به دست امیرالمؤمنین[علیه السلام [

می دهد و او امیر بر همه خلایق خواهد بود و آنان زیر پرچم او هستند و او امیر

1- بحارالأنوار: 25 / 135.
2- عیون: 218.

آنان است، و این تأویل این آیه است.»(1)

در کتاب سلیم بن قیس هلالی _ کتابی که همه آن را در حضور جماعتی از بزرگان شیعه مانند ابوالطفیل و... بر امام سجّاد علیه السلام قرائت نمودند و آن حضرت همه آن را تأیید کرد و فرمود: به راستی این ها احادیث ما می باشد _ ابان بن ابی عیّاش می گوید: بعد از آن من ابوالطفیل را در منزلش ملاقات کردم و او درباره رجعت احادیثی از اهل بدر و از سلمان و مقداد و ابیّ بن کعب برای من نقل نمود و گفت: من این احادیث را بر علیّ بن ابی طالب علیه السلام در کوفه عرضه نمودم و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

این علم ویژه ای است و مردم نباید نسبت به آن جاهل باشند و به خدا واگذار کنند. سپس همه آن احادیث را تصدیق نمود و توضیحاتی درباره رجعت برای من بیان نمود به گونه ای که ایمان به رجعت برای من یقینی تر از ایمان به قیامت شد؛ و از سؤالاتی که از آن حضرت نمودم این بود که گفتم: به من بگویید حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله در دنیاست و یا در آخرت است؟ فرمود: در دنیاست. گفتم: چه کسی مردم را از نزدیک شدن به آن منع می کند؟ فرمود: من با دست [قدرت] خود آنان را منع خواهم نمود، دوستان من وارد بر حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله می شوند و دشمنان من از آن دور خواهند شد.

1- تفسیر عیّاشی: 1 / 181.

گفتم: یا امیرالمؤمنین مقصود از «دابّه الأرض» در آیه: «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُکَلِّمُهُمْ أَنَّ النّاسَ کانُوا بِآیاتِنا لا یُوقِنُونَ» (1) چیست؟ فرمود: ای ابوالطفیل از این سخن بگذر. گفتم: یا امیرالمؤمنین، فدای شما بشوم مرا از آن آگاه سازید؟ فرمود: دابّه الأرض کسی است که غذا می خورد و مانند انسان ها در بازارها راه می رود و با زن ها ازدواج می کند. گفتم:

یا امیرالمؤمنین، او را معرّفی کن. فرمود: او حاکم زمین است و به سبب او زمین قرار پیدا می کند. گفتم: یا امیرالمؤمنین، او کیست؟ فرمود: او صدّیق و فاروق این امّت است، او "ربّی" این امّت است و مقصود او اشاره به آیه «وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فی سَبیلِ اللّهِ» (2) بود و "ربّیّون" علمای باتقوا و اهل عبادت و صاحب آن هستند [کنایه از این که در عبادت کامل می باشند]. گفتم: یا امیرالمؤمنین، او کیست؟ فرمود: او کسی است که خداوند [به عنوان شاهد] در آیه «وَ یَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ»(3) و [به عنوان عالم به علم جمیع کتاب] در آیه «قُلْ کَفی بِاللّهِ شَهیدا بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ» (4) و [به عنوان کسی که حامل صدق و تصدیق کننده آن است] در آیه «وَ الَّذی جاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ» (5) او را یاد نموده است.

1- سوره نمل: 82 .
2- سوره آل عمران: 146.
3- سوره هود: 17.
4- سوره رعد: 43.
5- سوره زمر: 33.

سپس فرمود: زمانی که مردم کافر به صدق بودند و حقّ را تصدیق نمی کردند او حقّ و صدق را تصدیق نمود و به آن ایمان آورد. گفتم: یا امیرالمؤمنین، نام او را به من بگویید؟ فرمود: ای ابوالطفیل، من نام او را برای تو بیان کردم.

سپس فرمود: به خدا سوگند، اگر من برخی از فضائل خود را برای شیعیان و کسانی که اقرار به اطاعت از من دارند و من را امیرالمؤمنین می نامند و همراه با من با دشمنان من به جنگ برمی خیزند بیان کنم و بگویم خدا در آیاتی که به وسیله جبرئیل بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد مرا توصیف نموده، از اطراف من متفرّق می شوند و کمی از آنان گرد من باقی می مانند و تو و امثال تو نیز از شیعیان من هستید. پس من وحشت نمودم و گفتم: یا امیرالمؤمنین، من و امثال من از گرد شما متفرّق می شویم و یا ثابت می مانیم؟! فرمود: شما ثابت می مانید.

سپس روی مبارک خود را به من نمود و فرمود: امر ما صعب مستصعب و بسیار سخت و مشکل می باشد و اقرار به آن نمی کند مگر سه گروه: 1_ ملک مقرّب، 2_ نبیّ مرسل، 3_ بنده مؤمن نجیبی که خداوند قلب او را به نور ایمان آزموده باشد. تا این که فرمود: ای ابوالطفیل هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، مردم به ضلالت و جهالت روی آوردند جز کسانی که خدا به سبب ما آنان را مصون از خطا نمود. (1)

1- حقّ الیقین: 2 / 11.

صاحب کتاب منتخب بصائر الدّرجات از سعد بن عبداللّه از جابر جعفی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «برای امیرالمؤمنین علیه السلام [رجعت هایی است و] یک نوبت با فرزند خود حسین علیه السلام رجعت خواهد نمود تا برای او از بنی امیّه و معاویه و دودمان معاویه و کسانی که با او به جنگ برخاستند انتقام بگیرد. سپس یاران او نیز از اهل کوفه که سی هزار نفر بودند و از سایر مردم که هفتاد هزار نفر بودند به دنیا بازمی گردند و در صفّین مانند مرتبه اوّل همدیگر را ملاقات می کنند و امیرالمؤمنین علیه السلام با آنان جنگ می کند و همه آنان را می کشد و احدی را باقی نمی گذارد، سپس خداوند آنان را با فرعون در دوزخ جای می دهد. و رجعت دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام زمانی است که رسول خدا رجعت می نماید تا در آن رجعت منصب خلیفه اللّهی در روی زمین پیدا کند و ائمّه علیهم السلام عمّال او باشند و حکومت او علانیه باشد و عبادت او نیز در روی زمین علانیه باشد همان گونه که قبلاً در روی زمین در پنهانی عبادت نموده است.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: آری، واللّه چندین برابر. سپس با انگشتان خود اشاره نمود و فرمود: خداوند به پیامبر خود مُلک بر جمیع دنیا را از زمان خلقت تا فنای عالم می دهد، تا به وعده خود در قرآن که فرموده است: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»

عمل کرده باشد. (1)

شیخ مفید رحمه الله در کتاب مجالس و نیز کشّی با سندهای متعدّد از عبایه اسدی و اصبغ بن نباته نقل کرده اند که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: «من سیّد الشیب [آقای پیران] هستم و در من سنّتی از ایّوب است و به خدا سوگند خداوند همانند ایّوب فرزندان و اهل [پراکنده] مرا جمع خواهد نمود.» (2)

کشّی نیز از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «من از خدای خود خواستم که اسماعیل را بعد از من باقی گذارد و او امتناع نمود و لکن او به من درباره او منزلتی داد و آن این است که او نخستین کسی است که با نه نفر دیگر از اصحابش مانند عبداللّه بن شریک که پرچم دار اوست از قبرها [برای رجعت] خارج می شوند.» (3)

امام باقر علیه السلام فرمود: «مثل این که من می بینم عبداللّه شریک عامری عمامه سیاهی بر سر دارد و دو سر عمامه او بر شانه های اوست و مقابل قائم ما اهل بیت در کنار کوه با چهار هزار لشکر تکبیر می گویند و رجعت نموده اند.» (4)

داود رقّی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من پیر شده ام و استخوان های من ناتوان شده است و دوست می دارم عاقبت عمر من

1- حقّ الیقین: 2 / 11 _ 12.
2- امالی مفید: 145.
3- حقّ الیقین: 2 / 13.
4- همان؛ بحارالأنوار: 80 / 256.

شهادت در راه شما باشد. امام علیه السلام فرمود: «چاره ای از آن نیست و انجام خواهد شد و اگر در دنیا انجام نشد در رجعت انجام خواهد شد.»(1)

مرحوم شیخ حسن بن سلیمان در منتخب بصائر الدّرجات از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که آن حضرت ضمن خطبه ای طولانی فرمود: «سخنان ما بسیار سخت است و برای کسی قابل تحمّل نیست جز ملک مقرّب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خداوند قلب او را به ایمان آزموده باشد.»

سپس فرمود: «حدیث ما را تحمّل و حفظ نمی کند مگر قلعه های محکم و یا سینه های امین و یا عقل های رشید.»

تا این که فرمود: «حادثه بسیار عجیبی بین ماه جمادی و رجب رخ می دهد.» پس یکی از شرطه الخمیس آن حضرت گفت: یا امیرالمؤمنین آن عجیب چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «چگونه تعجّب نکنم در حالی که قضای الهی درباره شما گذشته و شما جز سخنانی از آن نمی دانید. مرگ هایی رخ خواهد داد و امواتی از قبرها خارج خواهند شد. چقدر شگفت آور است آنچه بین جمادی و رجب رخ می دهد.»

باز مردی گفت: یا امیرالمؤمنین این عجیب چیست که شما

1- بحارالأنوار: 53 / 77.

همواره از آن تعجّب می کنید؟ فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند چه چیزی عجیب تر از این است که امواتی [زنده شوند و] بر سر زنده ها بکوبند.» او گفت: آن در چه زمانی خواهد بود یا امیرالمؤمنین؟ فرمود: «سوگند به خدایی که دانه را می شکافد و انسان را خلق می نماید، اکنون من می بینم آنان در بازار کوفه حرکت می کنند و شمشیرهای خود را برهنه نموده و بر شانه های خود آماده کرده اند و با آنها بر سرهای دشمنان خدا و رسول او و مؤمنین می زنند و این فرموده خداست که می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْما غَضِبَ اللّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوا مِنَ الاْآخِرَهِ کَما یَئِسَ الْکُفّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ»(1)، یعنی: «ای مؤمنان، نسبت به کسانی که خداوند بر آنان خشم نموده و از وعده های ثواب آخرت مأیوس هستند، محبّت و ولایت پیدا نکنید؛ چرا که آنان از ثواب و نجات در آخرت مأیوس هستند، همان گونه که کفّار از اهل قبور از وعده های ثواب آخرت مأیوس می باشند.» (2)

مرحوم صدوق در کتاب علل از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «آگاه باشید، هنگامی که قائم ما قیام می کند حمیرا را نزد او می آورند تا حدّ خدا را بر او جاری نماید و انتقام دختر پیامبر خدا فاطمه علیهاالسلام را از او بگیرد.»(3)

مرحوم مفید در ارشاد از امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود:

1- سوره ممتحنه: 13.
2- مختصر بصائر الدّرجات: 198.
3- بحارالأنوار: 22 / 242 عن العلل: 193.

«نزدیک زمان قیام قائم ما در ماه جمادی الآخره و ده روز از ماه رجب بارانی می بارد که مردم مثل آن را ندیده اند و به وسیله آن باران خداوند بدن های مؤمنین را در قبرهایشان تازه می نماید و اکنون من می بینم که آنان از منطقه جهینه _ که قبیله ای از قبایل عرب است _ خاک از سر و صورت خود برطرف می نمایند [و به دنیا بازمی گردند] و این رجعت آنان به دنیا می باشد.»(1)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «با حضرت قائم[علیه السلام] از پشت کوفه بیست و هفت نفر مرد رجعت می کنند و پانزده نفر از قوم موسی[علیه السلام] که در وصفشان خدا می فرماید: «یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»، و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلیمان [سلمان] و ابوذرّ و دجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر همگی مقابل او آماده می شوند و آنان از انصار و حکّام او خواهند بود.»

مرحوم عیّاشی نیز در تفسیر خود این روایت را نقل نموده است.

نعمانی در کتاب غیبت با سند خود از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «اگر قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله قیام کند به طور مسلّم خداوند او را به وسیله ملائکه یاری خواهد نمود و نخستین کسی که از او پیروی می کند حضرت محمّد و علیّ علیهماالسلام خواهند بود.» (2)

1- ارشاد مفید: 2 / 381؛ حقّ الیقین: 2 / 13.
2- ارشاد مفید: 2 / 386.

شیخ طوسی و نعمانی در کتاب غیبت از حضرت رضا علیه السلام ضمن حدیث طویلی درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «ندای سوّم آن است که مردم بدنی را آشکار مانند عین خورشید می بینند و گفته می شود: این امیرالمؤمنین علیه السلام است که برای هلاک نمودن ستمکاران رجعت نموده است.»(1)

شیخ طوسی در کتاب غیبت از مفضّل نقل نموده که می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام از حضرت قائم علیه السلام و کسانی از اصحاب که از دنیا می روند و منتظر ظهور او بوده اند سؤال شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام می کند قاصدی داخل قبر مؤمن می شود و به او می گوید: امام تو ظاهر شده است اگر می خواهی به دنیا بازگرد و به او ملحق شو و اگر نمی خواهی در کرامت خدا باقی باش و به جای خود بمان.» (2)

مرحوم کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَ قَضَیْنا إِلی بَنی إِسْرائیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ» (3) فرمود: «علیّ بن ابی طالب[علیه السلام [کشته شد. و به امام حسن[علیه السلام] ضربه زدند.» و در تفسیر «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوّا کَبیرا» فرمود: «امام حسین کشته شد.» و در تفسیر «فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولیهُما» فرمود: «آن وعده هنگامی است که وقت یاری و

1- غیبت نعمانی: 234.
2- غیبت طوسی: 440.
3- غیبت طوسی: 440.

انتقام خون حسین علیه السلام برسد.» و در تفسیر «بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِبادا لَنا أُولی بَأْسٍ شَدیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ» فرمود: «مقصود از "عبادا لنا" مردمی هستند که خداوند قبل از خروج حضرت مهدی علیه السلام آنان را از قبرها خارج می نماید و آنان هر قاتلی از آل محمّد صلی الله علیه و آله را می یابند او را می کشند.»

و فرمود: «مقصود از «وَ کانَ وَعْدا مَفْعُولاً» خروج حضرت مهدی علیه السلام می باشد، و مقصود از «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ» خروج حضرت حسین علیه السلام با هفتاد نفر از یاران خود که با صورت های سفید و طلایی وارد می شوند می باشد.» و فرمود: «هنگامی که حضرت حسین علیه السلام رجعت می نماید افراد مؤمن شکّی درباره او ندارند و می دانند که او دجّال و شیطان نیست و محبّت الهی است که بین آنان ظاهر شده است و چون بر اهل ایمان ثابت می شود که حضرت حسین قیام و رجعت نموده است، مرگ حضرت حجّه بن الحسن علیه السلام فرامی رسد و حضرت حسین علیه السلام او را غسل می دهد و کفن می نماید و حنوط بر او می ریزد و او را در قبر قرار می دهد چرا که وصیّ پیامبر صلی الله علیه و آله را جز وصیّ پیامبر دفن نخواهد نمود.» (1)1

مرحوم علاّمه سیّد شبّر می فرماید: اگر کسی بگوید: امام حسین علیه السلام را چه کسی غسل می دهد؟ باید گفته شود: او شهید از این دنیا رفته و نیازی به غسل و تکفین نداشته اشت. یا گفته شود: آن

1- کافی: 10 / 206.

امامی که بعد از او رجعت می کند او را غسل می دهد. (1)

سپس علاّمه شبّر همان گونه که قبلاً گذشت موارد فراوانی از فرازهای زیارات ائمّه معصومین علیهم السلام که در آنها اشاره به مسأله رجعت شده است را بیان می فرماید و در پایان، دعای شریف عهد را یادآور می شود.

مؤمن پس از مرگ با آل محمّد صلی الله علیه و آله خواهد بود تا حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید

در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث طویلی درباره قبض روح مؤمن آمده است که می فرماید: «... مؤمن پس از مرگ، آل محمّد[علیهم السلام] را در جنّات رضوی زیارت می کند و با آنان غذا می خورد و می نوشد و سخن می گوید تا حضرت مهدی علیه السلام قائم ما اهل بیت قیام نماید و چون او قیام می کند خداوند مؤمنین را زنده می کند و آنان همراه اصحاب مهدی علیه السلام گروه گروه لبّیک گویان در خدمت او خواهند بود و در چنین وضعیّتی اهل باطل مبتلای به شکّ و تردید می شوند.»(2)

حسن بن سلیمان در کتاب منتخب بصائر الدّرجات از امام صادق علیه السلام نقل نموده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «من فاروق اکبر هستم و من صاحب عصا هستم [و با آن پیشانی هر کسی را به علامت ایمان و یا کفر ثبت می کنم].»

سپس فرمود: «من صاحب رجعت اوّل و رجعت آخر هستم و من

1- حقّ الیقین: 2 / 14.
2- همان: 2 / 15.

صاحب رجعت ها و دولتِ دُوَل هستم و به دست من وعده خداوند به تمام و کمال می رسد و کلمه او کامل می شود و به واسطه من دین خدا کامل می گردد.»(1)

در کتاب کامل الزّیارات ابن قولویه از امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام آمده که می گوییم: «و نصرتی لکم معدّه حتّی یحکم اللّه و یبعثکم فمعکم معکم لا مع عدوّکم إنّی من المؤمنین برجعتکم لا أنکر للّه قدرهً و لا أکذّب له مشیّهً و لا أزعم أنّ ما شاء لا یکون.»

و در همان کتاب از امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرماید: «باید نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام و قبر هر امامی گفته شود:

«اللّهمّ لا تجعله آخر العهد من زیاره قبر ابن نبیّک و ابعثه مقاما محمودا تنتصر به لدینک و تقتل به عدوّک فإنّک وعدته و أنت الرّبّ الّذی لا تخلف المیعاد.»(2)

و در زیارت جامعه کبیره مشهور که در کتاب کافی و تهذیب از امام هادی علیه السلام نقل شده، آمده است:

«و یکرّ فی رجعتکم و یملّک فی دولتکم و یشرّف فی عافیتکم و یمکّن فی أیّامکم و تقرّ عینه غدا برؤیتکم.»

و در زیارت وداع نیز آمده: «و مکّنّی فی دولتکم و أحیانی فی

1- حقّ الیقین: 2 / 15؛ کافی: 3 / 132.
2- حقّ الیقین: 2 / 16.

رجعتکم.» (1)

و در زیارت اربعین نیز که در تهذیب از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده: «و أشهد أنّی بکم مؤمن و بإیابکم موقن.»

مؤلّف گوید: مضامین دعای عهد روشن ترین دستور العمل برای آمادگی ما نسبت به قیام حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

شیخ طوسی در کتاب غیبت با سند خود از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «به خدا سوگند، از ما اهل بیت مردی بعد از سیصد و نه سال پس از مرگ خود به حکومت می رسد.» جابر گوید: گفتم: در چه زمانی چنین خواهد شد؟ فرمود: «بعد از حکومت حضرت مهدی علیه السلام .» گفتم: حضرت مهدی چقدر حکومت خواهد نمود؟ فرمود: «نوزده سال و پس از او منتصر قیام می کند و از خون امام حسین علیه السلام و خون اصحاب او انتقام می گیرد، پس او می کشد و اسیر می کند تا سفّاح قیام کند.»(2)

علاّمه سیّد شبّر می گوید: ظاهر این است که مراد از «منتصر» امام حسین علیه السلام و مراد از سفّاح امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و در منتخب بصائر الدّرجات از امام باقر علیه السلام نقل شده که می فرماید: «به خدا سوگند، مردی از ما اهل بیت بعد از سیصد و نه سال که از مرگ او می گذرد قیام می کند و به حکومت می رسد.» راوی می گوید: گفتم: این در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «بعد از مرگ حضرت قائم.» گفتم: حکومت حضرت قائم چقدر خواهد بود؟ فرمود: «نوزده سال.» گفتم:

1- غیبت طوسی: 459.
2- غیبت شیخ طوسی: 478.

آیا پس از مرگ او هرج و مرج خواهد بود؟ فرمود: «آری، پنجاه سال چنین خواهد بود تا این که منتصِر به دنیا بازگردد تا از خون او و خون یاران او انتقام بگیرد، او آن قدر می کشد و اسیر می کند که مردم می گویند: او اگر از فرزندان پیامبران می بود این قدر مردم را نمی کشت. پس همه مردم بر علیه او قیام می کنند و عمل او را مورد انکار قرار می دهند و او به حرم خدا پناهنده می شود و چون کار سخت می شود و منتصر کشته می شود، سفّاح به دنیا بازمی گردد و برای دفاع از منتصر خشمگین می گردد و همه دشمنان ما را می کشد.» سپس فرمود: «ای جابر، آیا می دانی منتصر و سفّاح کیانند؟ منتصر حسین علیه السلام است و سفّاح امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.» (1)

و در کتاب کافی و بصائر الدّرجات از امام باقر از امیرالمؤمنین علیهماالسلام نقل شده که فرمود: «خداوند به من شش چیز عطا نمود: 1_ علم منایا [مرگ ها]، 2_ علم بلایا، 3_ علم فصل الخطاب، 4_ من صاحب رجعت ها هستم، 5 _ من صاحب دوله الدول هستم، 6 _ من صاحب عصا و میسم می باشم و من "دابّه الأرض" هستم و با مردم سخن می گویم.» (2)

در کافی و تهذیب از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «به خدا سوگند، روزگار به پایان نمی رسد تا خداوند مردگانی را زنده کند و

1- بحارالأنوار: 53 / 100.
2- کافی: 1 / 198.

زنده هایی را بمیراند و حقّ را به دست اهلش بسپارد و دین مورد پسند و رضای خود را برقرار نماید.»

مرحوم کلینی در کافی و قمّی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند که آن حضرت در تفسیر آیه «وَ وَصَّیْنَا الْاِءْنْسانَ بِوالِدَیْهِ» فرمود: مقصود از انسان حسن و حسین علیهماالسلام هستند. و مقصود از "حملته أمّه" امام حسین علیه السلام می باشد و این برای این است که خداوند به رسول خود صلی الله علیه و آله بشارت تولّد امام حسین علیه السلام را داد، قبل آن که نطفه او منعقد شود، و بشارت داد که امامت تا قیامت در صلب او خواهد بود. سپس خبر شهادت او و مصائبی که بر او و فرزندان او وارد می شود داده شد و به عوض آن خداوند امامت را در فرزندان او قرار داد و اعلان نمود او کشته می شود و سپس به دنیا بازمی گردد و خداوند حکومتی به او خواهد داد تا دشمنان خود را به قتل برساند و مالک روی زمین شود، و در آیه «وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَءَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ» (1) و آیه «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ...» به آن اشاره شده است. بنابر این خداوند به پیامبر خود صلی الله علیه و آله بشارت داده که اهل بیت او رجعت می کنند و حاکم روی زمین خواهند شد و دشمنان خود را به قتل خواهند رساند... . (2)

و در کتاب الأنوار المضیئه بهاء الدّین علیّ بن عبدالحمید از امام صادق علیه السلام روایت شده که از آن حضرت سؤال شد: آیا رجعت حقّ

1- کافی: 3 / 538 .
2- سوره قصص: 5 .

است؟ فرمود: «آری.» گفته شد: اوّل کسی که رجعت می کند کیست؟ فرمود: «پس از حضرت مهدی علیه السلام نخستین کسی که قیام می کند و به دنیا بازمی گردد امام حسین علیه السلام است.» گفته شد: همه مردم نیز با او به دنیا بازمی گردند؟ فرمود: «خیر، بلکه گروهی بازمی گردند، همان گونه که خداوند می فرماید: «یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجا» (1)، یعنی گروهی بازمی گردند.»

و در سخن دیگری فرمود: «امام حسین علیه السلام با اصحاب خود که با او شهید شدند قیام و رجعت می کند و با او هفتاد پیامبر خواهند بود همان گونه که همراه حضرت موسی علیه السلام هفتاد نفر بودند. پس حضرت مهدی علیه السلام خاتم خود را به امام حسین علیه السلام می دهد و امام حسین علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را پس از رحلت از دنیا غسل می دهد و کفن و حنوط و دفن می نماید.»(2)

از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «فی یَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ خَمْسینَ أَلْفَ سَنَهٍ» سؤال شد و آن حضرت فرمود: «مقصود از روزی که پنجاه هزار سال است رجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد، و امیرالمؤمنین علیه السلام چون رجعت می نماید چهل و چهار هزار سال حکومت می نماید.» (3)

فضل بن شاذان از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند و داخل کوفه می شود خداوند از

1- حقّ الیقین: 2 / 16 _ 17؛ بحارالأنوار: 43 / 246.
2- حقّ الیقین: 2 / 17؛ بحارالأنوار: 53 / 103.
3- بحارالأنوار: 53 / 104.

پشت کوفه [یعنی نجف اشرف [هفتاد هزار مؤمن صدّیق را می فرستد و آنان از انصار و اصحاب او خواهند بود.» (1)

مرحوم ابن قولویه در کتاب کامل الزّیارات با سند خود از برید عجلی نقل نموده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ای فرزند رسول خدا ص، به من بفرمایید مقصود از اسماعیل در آیه «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولاً نَبِیّا» (2) کیست آیا او اسماعیل فرزند ابراهیم است که مردم گمان کرده اند؟ فرمود: «اسماعیل قبل از پدر خود ابراهیم، از دنیا رحلت نمود و ابراهیم خود صاحب

شریعت بود و چگونه می تواند اسماعیل بر امّتی پیامبر باشد؟» گفتم: پس مقصود از اسماعیل در آیه فوق کیست؟ فرمود:

«او اسماعیل بن حزقیل پیامبر است که خداوند او را بر مردمی مبعوث نمود و مردم او را تکذیب نمودند و به قتل رساندند و پوست صورت او را جدا کردند و خداوند بر آنان خشم نمود و سطاطائیل، ملک عذاب را نزد او فرستاد و آن ملک به او گفت: ای اسماعیل خدا مرا فرستاده نزد تو، تا اگر بخواهی قوم تو را به انواع عذاب مؤاخذه کنم. اسماعیل عرض کرد:

خدایا تو از بندگان خود برای خویش میثاق ربوبیّت گرفتی و برای حضرت محمّد صلی الله علیه و آله میثاق نبوّت و برای اوصای او میثاق ولایت و به خلق خود خبر دادی که امّت محمّد صلی الله علیه و آله بعد از او با فرزندش

1- همان: 52 / 290.
2- سوره مریم: 54 .

حسین علیه السلام چه خواهند کرد و تو به حسین علیه السلام وعده دادی که به دنیا رجعت می کند تا انتقام خون خود را از دشمنانش بگیرد و حاجت من از تو این است که مرا نیز به دنیا بازگردانی تا انتقام خود را از دشمنانم بگیرم. از این رو، خداوند به او وعده داد و او نیز مانند امام حسین علیه السلام به دنیا رجعت خواهد نمود.»(1)

این قولویه از حریز نیز روایت نموده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدای شما شوم، چقدر عمر شما اهل بیت در دنیا کوتاه است و اجل شما به یکدیگر نزدیک است با این که مردم شدیدا به شما نیازمند هستند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کدام از ما صحیفه و دستورالعملی داریم و آنچه نیاز زمان امامت ماست در آن تعیین شده است و چون دستورالعمل های آن صحیفه تمام می شود آن امام می داند که مرگ او فرارسیده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله [در خواب] نزد او می آید و خبر رحلت از دنیا و مقام او را نزد خداوند به او می دهد، و امام حسین علیه السلام در صحیفه خود نگاه کرد و گذشته و آینده او برایش تفسیر شد و دید هنوز [شهادت] از آینده او باقی مانده است، پس خود را برای آن آماده نمود.

از سویی ملائکه از خداوند درخواست کردند که او را یاری نمایند و خداوند به آنان اجازه داد و چون آماده یاری او شدند او به شهادت رسیده بود پس ملائکه گفتند: خدایا به ما اجازه فرود و یاری

1- حقّ الیقین: 2 / 17؛ کامل الزّیارات / 138.

حسین را دادی و چون به یاری او رفتیم او را قبض روح نمودی؟! پس خداوند به آنان فرمود: همواره کنار قبّه او باشید تا او قیام و رجعت کند و او را یاری کنید و اکنون بر مظلومیّت او و محرومیّت خود از یاری او گریه کنید و شما بین ملائکه مخصوص به یاوران و گریه کنندگان بر او خواهید بود. پس ملائکه همواره کنار قبر او هستند و با گریه بر مظلومیّت او به خدای خود تقرّب می جویند و از این که موفّق به یاری او نشده اند جزع و ناله می نمایند و چون امام حسین علیه السلام رجعت می کند آنان از یاوران او خواهند بود.»(1)

در تفسیر فرات بن ابراهیم و مناقب ابن شاذان بن جبرئیل و تفسیر محمّد بن عبّاس بن مهیار با سندهای گوناگون آمده که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «یَوْمَ تَرْجُفُ الرّاجِفَهُ * تَتْبَعُهَا الرّادِفَهُ» (2) فرمود: «مقصود از "راجفه" حسین بن علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام است و مقصود از "رادفه" علیّ بن ابی طالب علیه السلام است و حسین علیه السلام نخستین کسی است که برای رجعت سر از قبر خارج می کند و خاک از صورت خود می زداید و لشکر او هفتاد و پنج هزار نفر خواهند بود چنان که خداوند می فرماید: «إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ * یَوْمَ لا یَنْفَعُ الظّالِمینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدّارِ»(3).»(4)

و در منتخب بصائر الدّرجات از کتاب التنزیل و التحریف با سند متّصل از

1- حقّ الیقین: 2 / 18؛ بحارالأنوار: 53 / 106.
2- سوره نازعات: 6 _ 7.
3- سوره غافر: 51 _ 52 .
4- تفسیر فرات: 537 .

عبداللّه بن نجیح یمانی نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: معنای آیه «لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقینِ» (1) چیست؟ فرمود: «معاینه و مشاهده است.» گفتم: معنای «کَلاّ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» چیست؟ فرمود: یکبار در رجعت و بار دیگر در قیامت است.»

ذوالقرنین این امّت

حسن بن سلیمان در منتخب بصائر الدّرجات از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که از آن حضرت سؤال شد: «ذوالقرنین» چه کسی بوده است؟ فرمود: «او مردی بود که خداوند او را مبعوث به قومش نمود و قومش او را تکذیب نمودند و بر صورت او زدند تا این که از دنیا رحلت نمود، و خداوند باز او را زنده کرد و نزد قومش فرستاد و باز قومش او را تکذیب نمودند و این بار به طرف دیگر صورت او زدند تا از دنیا رحلت نمود و خداوند باز او را زنده نمود و "ذوالقرنین" نامیده شد چرا که به دو طرف پیشانی او ضربه وارد شده بود، و در بین شما نیز همانند او وجود دارد، [و مقصود آن حضرت خودشان بود].» (2)

در کتاب منتخب بصائر الدّرجات از کتاب تأویل ما نزل من القرآن فی النّبی و آله تألیف محمّد بن عبّاس از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها

1- سوره تکاثر: 5 .
2- منتخب بصائر الدّرجات: 204.

خاضِعینَ»(1) فرمود: «مقصود از "خاضعین" خضوع رقاب بنی امیّه و ذلّت آنان است و مقصود از "آیه" علیّ بن ابی طالب علیه السلام است که هنگام زوال خورشید مقابل مردم ظاهر می شود و مردم او را به حسب و نسب می شناسند.»

سپس فرمود: «بنی امیّه در آن زمان بسیار هراس پیدا می کنند و اگر یکی از آنان خود را پشت درختی پنهان کند آن درخت می گوید: این از بنی امیّه است او را بکشید.» (2)

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه «وَ لَنُذیقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَذابِ الْأَکْبَرِ» فرمود: «مقصود از عذاب "أدنی" عذاب در رجعت است.» (3)

در کتاب البشاره مرحوم سیّد علی بن طاووس نقل شده که گوید: در کتاب جعفر بن محمّد بن مالک کوفی یافتم و او از حمران نقل نموده که گوید: عمر دنیا یکصد هزار سال است. بیست هزار سال آن برای سایر مردم است و هشتاد هزار سال آن برای آل محمّد صلی الله علیه و آله خواهد بود. (4)

1- سوره شعراء: 4.
2- حقّ الیقین: 2 / 19.
3- همان: 206.
4- حقّ الیقین: 2 / 212.

در کتاب کامل الزّیارات از مفضّل از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «من سریری از نور را می بینم که بر آن قبّه ای از یاقوت سرخ و مزیّن به طلا قرار دارد و امام حسین علیه السلام را می بینم که بر آن سریر نشسته است و اطراف او نود هزار قبّه سبز قرار دارد. و می بینم که مؤمنین او را زیارت می کنند و بر او سلام می دهند و خداوند به آنان می فرماید: ای اولیای من، هرچه می خواهید از من طلب کنید چرا که شما زمانی طولانی اذیّت شدید و ذلیل گردیدید و از پا درآمدید، پس امروز هر حاجتی از حوائج دنیا و آخرت دارید از من بخواهید که من حاجات شما را برآورده خواهم نمود. پس آب و غذای آنان از بهشت خواهد بود.» سپس فرمود: «به خدا سوگند این از کرامت های الهی است.» (1)

مرحوم سیّد شبّر می فرماید: این حدیث ظهور در رجعت دارد نه در قیامت چرا که حوائج مربوط به دنیا در قیامت سؤال نمی شود.» (2)

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج در بخش توقیعات وارده از ناحیه مقدّسه امام عصر علیه السلام به سیّد حمیری زیارتی را نقل نموده که در آن آمده است: «و أشهد أنّکم حجّه اللّه أنتم الأوّل و الآخر و أنّ رجعتکم حقّ لا شکّ فیها «لا یَنْفَعُ نَفْسا إیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فی إیمانِها خَیْرا»(3).» (4)

در تفسیر نعمانی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «پاسخ دهنده

1- کامل الزّیارات: 259.
2- حقّ الیقین: 2 / 19.
3- سوره انعام: 158.
4- حقّ الیقین: 2 / 19.

به منکر رجعت سخن خداوند است که می فرماید: «یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجا مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیاتِنا فَهُمْ یُوزَعُونَ» (1)، و معنای آن حشر به دنیاست؛ چرا که حشر برای آخرت در آیه «وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَدا» (2) می باشد. و مقصود از آیه «وَ حَرامٌ عَلی قَرْیَهٍ أَهْلَکْناها أَنَّهُمْ لا یَرْجِعُونَ» (3) نیز رجعت به دنیا می باشد وگرنه برای قیامت قطعا رجعت خواهند نمود.

و نیز آیه «وَ إِذْ أَخَذَ اللّهُ میثاقَ النَّبِیّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَهٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» (4) جز رجعت به دنیا نمی تواند باشد.» (5)

و نیز آیاتی که خطاب به ائمّه علیهم السلام شده و خداوند به آنان وعده نصرت و انتقام از دشمنان را داده است مربوط به رجعت خواهد بود مانند آیه «وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ... لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئا» (6). این آیه مربوط به زمانی است که به دنیا رجعت می کنند. همچنین آیه «وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ» (7) و آیه «إِنَّ الَّذی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ» (8)، یعنی

1- سوره نمل: 83 .
2- سوره کهف: 47.
3- سوره انبیاء: 95.
4- سوره آل عمران: 81 .
5- احتجاج: 2 / 315.
6- سوره نور: 55 .
7- سوره قصص: 5 .
8- همان: 85 .

رجعت به دنیا، و نیز آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ» (1) و نیز آیه «وَ اخْتارَ مُوسی قَوْمَهُ سَبْعینَ رَجُلاً لِمیقاتِنا» (2) که پس از مرگ خداوند آنان را به دنیا بازگرداند و باز مشغول زندگی خود شدند و همچنین قصّه عزیر که قبلاً تفصیل آن گذشت، همه این آیات مربوط به رجعت است.(3)

در کتاب مناقب ابن شهرآشوب از امام باقر علیه السلام در شرح سخن امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: «علی یدیّ تقوم السّاعه» امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود رجعت قبل از قیامت است و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: در رجعت، خداوند به واسطه من و ذرّیّه من، مؤمنین را یاری خواهد نمود.»(4)

مرحوم صدوق در کتاب صفات الشّیعه از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «هر کس به هفت چیز ایمان و اقرار داشته باشد مؤمن خواهد بود. و یکی از آنها را ایمان به رجعت ذکر نموده است.»(5)

حضرت رضا علیه السلام نیز می فرماید: «کسی که اقرار به یگانگی

1- سوره بقره: 243.
2- سوره اعراف: 155.
3- حقّ الیقین: 2 / 20.
4- حقّ الیقین: 2 / 30؛ مناقب ابن شهرآشوب: 2 / 206.
5- همان. «البرائه من الجبت و الطّاغوت، و الإقرار بالولایه، و الإیمان بالرّجعه، و الإستحلال للمتعه، و تحریم الجری، و المسح علی الخفّین.» بحارالأنوار: 62 / 194؛ صفات الشّیعه: 178.

خداوند و... و اقرار به رجعت و متعه زن ها و حجّ تمتّع و معراج و سؤال قبر و حوض کوثر و شفاعت و خلقت بهشت و دوزخ و صراط و میزان و حشر و نشر در قیامت و جزا و حساب داشته باشد، حقّا او مؤمن و از شیعیان اهل بیت خواهد بود.»(1)

1- مسند الإمام الرّضا علیه السّلام: 1 / 46؛ صفات الشّیعه: 92.

مرحوم شیخ حسن بن سلیمان در کتاب منتخب بصائر الدّرجات با سند معتبر از مفضّل بن عمر نقل نموده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مولای من! حضرت مهدی در کجا ظاهر می شود و ظهور او چگونه است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مفضّل او به تنهایی ظاهر می شود و نزد کعبه می آید و تنها داخل کعبه می شود و چون تاریکی شب همه جا را فرامی گیرد و چشم ها به خواب می رود جبرئیل و میکائیل و صفوفی از ملائکه بر او وارد می شوند و جبرئیل به او می گوید: "یا سیّدی قولک مقبول و أمرک جایز"، سپس آن حضرت دست مبارک خود را بر صورت می کشد و می فرماید: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی صَدَقَنا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلینَ»(1)، پس بین رکن و مقام ابراهیم می ایستد و فریاد می کند: "یا معاشر نقبائی و أهل خاصّتی و من ذخرهم اللّه لنصرتی..."، یعنی: ای نقبا و خواصّ من و ای کسانی که خداوند شما را برای من ذخیره نموده، همگی با میل و رغبت نزد من بیایید. پس صدای او به آنان می رسد، در حالی که آنان در محراب عبادت و یا در بستر خواب در شرق و غرب عالم اند، و چون این ندای واحد به گوش همه آنان می رسد آنان فورا مانند چشم برهم زدن نزد او

1- سوره زمر: 74.

حاضر می شوند، پس خداوند امر می فرماید تا عمودی از نور از زمین تا آسمان قرار بگیرد و هر مؤمنی از آن نور استفاده نماید و آن نور به داخل خانه او وارد شود و مؤمنین از این نور شاد می شوند و هنوز نمی دانند که حضرت مهدی علیه السلام قیام نموده است تا این که صبحگاه نزد او حاضر می شوند و آنان سیصد و سیزده نفر می باشند، مطابق اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر.»

مفضّل می گوید: ای مولای من، آیا آن هفتاد و دو نفر [اصحاب امام حسین علیه السلام [که به شهادت رسیدند نیز با او خواهند بود؟ فرمود: «آری، آنان همراه دوازده هزار نفر مؤمن از شیعیان علی علیه السلام با او خواهند بود و امام حسین عمامه سیاهی بر سر خواهد داشت.»

سپس فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام پشت خود را به کعبه می دهد و دست خود را می کشد و نوری از آن ساطع می شود و می فرماید: این دست خداست و از ناحیه خدا و به امر خداست. و سپس این آیه را تلاوت می فرماید: «إِنَّ الَّذینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللّهَ یَدُ اللّهِ فَوْقَ أَیْدیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ»(1)، و نخستین کسی که با او بیعت می کند و دست او را می بوسد جبرئیل است و سپس ملائکه و نجبای جنّ و نقبای اصحاب با او بیعت می کنند و مردم مکّه می گویند:

این شخصی که در کنار کعبه ایستاده و این جمعیّتی که با او

1- سوره فتح: 10.

هستند کیانند؟ و آن نوری که ما دیشب مشاهده کردیم و تاکنون مثل آن را ندیده بودیم چه بود؟! پس برخی از آنان می گویند: او همان شخصی است که دیروز با چند بز لاغر همراه بود. پس برخی از آنان به همدیگر می گویند: آیا شما کسی را از بین آنان می شناسید؟ آنان می گویند: جز چهار نفر از آنان احدی را نمی شناسیم. و این اوّل طلوع خورشید خواهد بود و چون خورشید بالا می آید از وسط آن با زبان فصیح عربی ندا می رسد: "این مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله است." و او را فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله معرّفی می نماید و مکنّای به کنیه او می کند و می گوید: "او فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شماست؛ با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد."»

تا این که فرمود: «اوّل کسی که دست او را می بوسد، ملائکه هستند و سپس اجنّه و پس از آنان نقبای اصحاب او، و همگی می گویند: "سمعنا و أطعنا"، و در آن روز همه خلایق این ندار را می شنوند و از شهر و روستا و خشکی و دریا با یکدیگر گفت وگو می کنند و به طرف او می آیند و چون غروب آفتاب می رسد، فریاد دیگری از مغرب بلند می شود و گوینده ای می گوید:

"ای مردم، پروردگار شما در وادی یابس از سرزمین فلسطین ظاهر شده و او عثمان بن عنبسه اموی از فرزندان یزید بن معاویه است با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید تا گمراه نشوید." پس ملائکه و جنّیان و نقبا او را تکذیب می کنند و به او

می گویند: سخن تو را شنیدیم و با تو مخالفت کردیم. و لکن هر که اهل شکّ و منافق و کافر باشد این ندا را می پذیرد و کافر و گمراه خواهد شد. این در حالی است که آقا حضرت بقیّه اللّه قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله پشت خود را به کعبه داده و می فرماید:

"ای مخلوق خدا آگاه باشید، هر که می خواهد نوح و فرزند او سام را ببیند بیاید مرا ببیند، و هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بیاید مرا ببیند، و هر که می خواهد موسی و یوشع را ببیند بیاید مرا ببیند، و هر که می خواهد عیسی و شمعون را ببیند بیاید مرا ببیند، و هر که می خواهد محمّد و امیرالمؤمنین[علیهماالسلام] را ببیند بیاید مرا ببیند، و هر که می خواهد حسن و حسین را ببیند بیاید مرا ببیند، و هر که می خواهد امامان از فرزندان حسین را ببیند بیاید مرا ببیند."

سپس می فرماید: "بیایید هر چه می خواهید از من سؤال کنید تا من شما را به آنچه می دانید و نمی دانید آگاه سازم، و هر کس اهل کتاب های آسمانی و صحف پیامبران است بیاید و [علوم] آنها را از من بشنود." سپس نخستین کتاب هایی که بر آدم و شیث نازل شده است را قرائت می کند، و امّت آدم و شیث می گویند: به خدا سوگند این ها صحف واقعی آدم است و ما اکنون چیزهایی را دانستیم که نمی دانستیم و یا برای ما آشکار نشده بود و یا تغییر و تبدیل و اسقاطی در آنها ایجاد گردیده بود.

سپس صحف و کتاب های نوح و ابراهیم و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود را قرائت می نماید و اهل تورات و انجیل و

زبور می گویند: به خدا سوگند، این ها همان کتاب های آسمانی است و حرفی از آنها تغییر نکرده است و این ها تورات جامع و زبور کامل و انجیل کامل است و چند برابر آن چیزی است که ما تاکنون قرائت می کرده ایم.

سپس قرآن را قرائت می نماید و مسلمانان می گویند: به خدا سوگند، این ها همان قرآنی است که بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله نازل شده و هیچ تغییر و تبدیل و اسقاطی در آن ایجاد نشده است.

سپس دابّه الأرض [یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام] ظاهر می شود و بین رکن و مقام می ایستد و در صورت مؤمن می نویسد: "این مؤمن است." و در صورت کافر می نویسد: "این کافر است."

سپس مردی نزد حضرت مهدی علیه السلام می آید که صورت او به طرف پشت است و پشت او به طرف سینه اوست. پس مقابل آن حضرت می ایستد و می گوید: ای مولای من، من بشیر هستم و یکی از ملائکه به من امر نموده تا خدمت شما بیایم و به شما بشارت بدهم که سفیانی در سرزمین بیداء به هلاکت رسیده. پس حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: قصّه خود و برادرت را بگو. آن مرد می گوید:

من و برادرم در جیش سفیانی بودیم و دنیا را از دمشق تا زوراء [یعنی بغداد[تخریب نمودیم، سپس کوفه و مدینه را تخریب کردیم و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را شکستیم و استران ما فضولات خود را در مسجد آن حضرت ریختند و چون خارج شدیم سیصد هزار مرد

بودیم و می خواستیم کعبه را خراب کنیم و اهل مکّه را بکشیم و چون به بیدا رسیدیم صیحه ای بلند شد و گوینده ای گفت:

"ای بیدا، نابود کن قوم ستمکار را." پس زمین دهن باز کرد و همه لشکر سفیانی را بلعید و به خدا سوگند احدی باقی نماند جز من و برادرم. ناگهان ملکی آمد و بر صورت ما زد و صورت های ما چنان که مشاهده می کنید به عقب برگشت. سپس به برادر من گفت: "وای بر تو، ای نذیر تو باید نزد سفیانی ملعون در دمشق بروی و به او بگویی: مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله ظاهر شده است، و باید بگویی: خدا لشکر سفیانی را در بیدا هلاک نمود."

و به من فرمود: "ای بشیر، تو نیز در مکّه نزد مهدی علیه السلام برو و او را به هلاکت ظالمین بشارت بده و به دست او توبه کن که او توبه تو را می پذیرد." پس حضرت مهدی علیه السلام دست مبارک خود را بر صورت او می کشد و او عافیت و سلامت پیدا می نماید و با آن حضرت بیعت می کند و از یاران او خواهد بود.»

مفضّل می گوید: ای مولای من، آیا ملائکه و جنّیان بین مردم آشکار می شوند؟ فرمود: «به خدا سوگند، آری. آنها با حضرت مهدی علیه السلام سخن می گویند مانند کسی که با خانواده خود سخن می گوید.»

مفضّل می گوید: گفتم: ای مولای من، آیا آنان با حضرت مهدی علیه السلام همراه خواهند شد؟ فرمود: «به خدا سوگند، آری.» سپس فرمود: «به خدا سوگند ای مفضّل، حضرت مهدی علیه السلام سپس به

سرزمین هجرت بین کوفه و نجف وارد می شود و یاران او به چهل و شش هزار از ملائکه و شش هزار از جنّیان [و در روایتی آمده که فرمود: و به همان اندازه از جنّیان] می رسند و خداوند به وسیله آنان او را پیروز خواهد نمود.»

پس مفضّل به امام صادق علیه السلام می گوید: حضرت مهدی با اهل مکّه چه خواهد کرد؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: «آنان را با حکمت و موعظه حسنه دعوت می نماید و چون از او اطاعت می کنند مردی از اهل بیت خود را بر آنان حاکم می نماید و به طرف مدینه می رود.»

مفضّل می گوید: گفتم: حضرت مهدی علیه السلام با کعبه چه می کند؟ فرمود: «کعبه را تا پایه های آن خراب می کند و پایه های آن را که از زمان آدم بوده، و مقداری که ابراهیم و اسماعیل بر آن افزوده اند را باقی می گذارد چرا که هر چه بعد از ابراهیم و اسماعیل بر آن افزوده شده به دست پیامبر یا وصیّ پیامبر نبوده است. سپس حضرت مهدی علیه السلام کعبه را آن گونه که خدا می خواهد بنا می کند و همه آثار ستمگران را از مکّه و مدینه و عراق و سایر بلاد محو خواهد نمود و نیز مسجد کوفه را تخریب می کند و بر بنیان اوّل آن بازسازی می نماید و قصر دمشق را نیز خراب می کند، چرا که ملعون است و ملعون است کسی که آن را بنا نموده است.»

مفضّل می گوید: مولای من، آیا حضرت مهدی علیه السلام سپس در مکّه اقامت می جوید؟ فرمود: «در آن جا اقامت نمی کند بلکه مردی از اهل بیت خود را جایگزین خود می نماید و اهل مکّه او را می کشند.

پس حضرت مهدی علیه السلام باز به مکّه بازمی گردد و مردم مکّه تسلیم او می شوند و با اشک و زاری می گویند:

"ای مهدی آل محمّد! التّوبه التّوبه"، پس آنان را نصیحت می نماید و بیم می دهد و دیگری را از اهل مکّه بر آنان جانشین خود قرار می دهد و باز اهل مکّه بر سر او می ریزند و او را می کشند، و حضرت مهدی علیه السلام لشکری از جنّ و نقبای خود را به مکّه می فرستد و به آنان می گوید: به مکّه بروید و هر که ایمان نمی آورد را بکشید.

سپس می فرماید: اگر نبود که رحمت خدا همه چیز را احاطه نموده و من آن رحمت هستم، من نیز با شما به جنگ با اهل مکّه می آمدم چرا که آنان عذری بین خود و خدا و من باقی نگذاردند. پس آنان به مکّه بازمی گردند و به خدا سوگند از صد نفر یک نفر سالم نمی ماند بلکه به خدا سوگند از هزار نفر یک نفر سالم نمی ماند.»

مفضّل می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ای مولای من، خانه مهدی و محلّ اجتماع مؤمنین کجا خواهد بود؟ فرمود: «مقرّ حکومت او کوفه است و محلّ قضاوت او مسجد کوفه است و بیت المال و محلّ تقسیم غنائم مسلمین مسجد سهله است و محلّ خلوت او نجف است.»

مفضّل می گوید: «ای مولای من، آیا همه مؤمنین در کوفه خواهند بود؟ فرمود: «به خدا سوگند، آری، همه مؤمنین در کوفه و اطراف آن خواهند بود. و کوفه به قدری ارزشمند می شود که جای خوابیدن یک گوسفند در آن دو هزار درهم ارزش پیدا می کند.» سپس فرمود: «به

خدا سوگند، مردم آرزو می کنند که یک وجب آن را به یک وجب از طلا خریداری کنند و محدوده کوفه در آن زمان به پنجاه و چهار میل می رسد و قصور آن به کربلا متّصل می شود و خداوند کربلا را محلّ رفت و آمد ملائکه و مؤمنین قرار می دهد و شأن و منزلتی پیدا می کند و برکات آن به قدری فراوان می شود که اگر مؤمنی در آن دست به دعا بلند کند، با یک دعای او خداوند هزار برابر دنیا را به او می دهد.»

سپس امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید و فرمود: «ای مفضّل، نقاط زمین بر همدیگر فخر کردند و چون کعبه بر کربلا فخر نمود، خداوند به او وحی کرد: آرام بگیر و بر کربلا فخر مکن، چرا که آن بقعه مبارکه است که در آن ندای الهی به موسی رسیده و آن همان "ربوه" است که مریم و مسیح به آن پناهنده شدند و عیسی علیه السلام مریم را در آن غسل داد و خود غسل ولادت نمود و آن بهترین بقعه ای است که رسول گرامی اسلام از آن به معراج رفت و در آن برای شیعیان ما تا ظهور حضرت مهدی خیر و برکت خواهد بود»

مفضّل گوید: ای مولای من، سپس حضرت مهدی به کجا خواهد رفت؟ فرمود: «به مدینه جدّم رسول اللّه صلی الله علیه و آله خواهد رفت و چون وارد آن شود، در آن جا مقام عجیبی خواهد داشت که سبب خشنودی مؤمنین و خواری کافران خواهد شد.»

مفضّل گوید: آن مقام عجیب چیست؟ فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام نزد قبر جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید و می فرماید: "ای مردم! این قبر جدّ من رسول اللّه صلی الله علیه و آله است؟" مردم می گویند: آری ای

مهدی آل محمّد. پس می فرماید: "چه کسانی در کنار او دفن شده اند؟" می گویند: دو یار و هم خواب او ابوبکر و عمر. پس _ با آن که خود آنان را می شناسد و همه مردم سخن او را می شنوند _ می فرماید:

"آنان کیانند و چگونه از بین مردم تنها این دو نفر در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن شده اند، و شاید آنان نباشند؟" پس مردم می گویند: ای مهدی آل محمّد، جز این دو نفر کسی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن نشده است و آنان به این دلیل در کنار او دفن شده اند که جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدران دو همسر او بوده اند. پس حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: "آیا کسی بین شما هست که جز این را بگوید؟ و یا درباره آنان شکّ داشته باشد؟" مردم می گویند: خیر...» امام صادق علیه السلام می فرماید: «سپس حضرت مهدی به طرف کوفه می رود و بین کوفه و نجف اقامت می نماید، و یاران او در آن روز چهل و شش هزار از ملائکه و مانند آنها از جنّیان و سیصد و سیزده نفر از نقبای او هستند.»

مفضّل گوید: ای مولای من، دارالفاسقین [یعنی بغداد] در آن وقت چگونه خواهد بود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «در لعنت و خشم خداوند است و فتنه هایی آن را خراب می کند، وای بر کسانی که در آن قرار دارند و تمام ویل برای پرچم های زرد و پرچم های مغرب و وای بر کلب جزیره و پرچم هایی که از دور و نزدیک به طرف او حرکت می کنند.»

سپس فرمود: «به خدا سوگند، همان عذابی که از اوّل روزگار تا آخر آن بر امّت های سرکش فرود آمده و می آید بر اهل بغداد نیز فرود

خواهد آمد و عذابی بر آن نازل خواهد شد که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده است و طوفان آن جز با شمشیر نخواهد بود، پس وای بر کسانی که آن را مسکن خود قرار می دهند، چرا که اقامت در آن همراه با شقاوت است و خروج از آن خروج به سوی رحمت الهی است، به خدا سوگند، اهل آن به گونه ای زندگی می کنند که گفته می شود:

دنیا همین بغداد است و خانه ها و قصرهای آن بهشت است و دختران آن حوریان بهشتی هستند و جوان های آن جوان های بهشتی می باشند و مردم گمان می کنند که خداوند رزق بندگان خود را جز در آن جا تقسیم نکرده است، و همواره آشکارا در آن افترای بر خدا و رسول او و حکم بر خلاف کتاب خدا و شهادت های دروغ و شرب خمر و زنا و حرام خواری و ریختن خون بی گناه انجام می گیرد که به این اندازه در بقیّه دنیا انجام نمی گیرد، از این رو، خداوند آن را چنان خراب خواهد نمود که اگر کسی از آن بگذرد می گوید: آیا این جا همان بغداد [و زوراء] است؟

سپس سیّد حسنی _ آن جوان زیبا _ از ناحیه دیلم قیام می کند و با صدای بلند می گوید: ای مردم، آل احمد ملهوف [و مصیبت زده] را اجابت کنید. و ندایی از اطراف ضریح بلند می شود، پس گنج های خدا در طالقان او را اجابت می کنند و آنها گنج های طلا و نقره نیستند بلکه مردان صالح و شجاعی هستند مانند پاره های آهن و در دست هایشان حربه های جنگی است و آنان همه ستمگران

را می کشند تا وارد کوفه می شوند و در آن وقت بیشتر روی زمین پاک شده است.

پس سیّد حسنی کوفه را محلّ اقامت خود قرار می دهد تا این که خبر حضرت مهدی علیه السلام به او و یارانش می رسد، و اصحاب او می گویند: ای فرزند رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، این کیست که در کنار ما نزول نموده است؟ سیّد حسنی می گوید: حرکت کنید تا نزد او برویم و ببینیم او کیست و چه می خواهد؟ در حالی که به خدا سوگند، سیّد حسنی می داند او مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله است و می خواهد اصحاب خود را نسبت به او آگاه سازد. پس سیّد حسنی نزد حضرت مهدی علیه السلام می آید و به آن حضرت می گوید:

اگر شما مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله هستی پس عصای جدّ تو رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاتم و برده و زره فاضل و عمامه سحاب و اسب یربوع و ناقه عضباء و استر دلدل و حمار یعفور و نجیب براق و صحف امیرالمؤمنین تو کجاست؟ پس حضرت مهدی علیه السلام آنچه نام برده شد را به او نشان می دهد و سپس عصا را می گیرد و در بین سنگ های سخت فرومی کند و عصا سبز می شود و برگ پیدا می کند، و مقصود سیّد حسنی از این کار، جز راهنمایی و ارشاد اصحابش به مقام حضرت مهدی علیه السلام نیست.

پس یاران سیّد حسنی با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کنند و سیّد حسنی می گوید: اللّه أکبر ای فرزند رسول خدا دست مبارک خویش را بده تا ما با تو بیعت کنیم. پس حضرت مهدی علیه السلام دست

خود را دراز می کند و سیّد حسنی و یارانش با او بیعت می نمایند جز چهل هزار نفر از اصحاب مصاحف که معروف به زیدیّه هستند و می گویند:

این ها جز سحر عظیم نیست. پس لشکر سیّد حسنی و لشکر حضرت مهدی علیه السلام مخلوط می شوند و حضرت مهدی طایفه زیدیّه منحرفه را موعظه می کند و سه روز آنان را به اسلام دعوت می نماید و آنان به طغیان و کفر خود باقی می مانند و حضرت مهدی علیه السلام دستور قتل آنان را صادر می فرماید و همه آنان کشته می شوند و حضرت مهدی به اصحاب خود می گوید: مصاحف را از زیدیّه نگیرید و بگذارید نزد آنان باشد تا سبب حسرت آنان شود چنان که از پیش آنها مصاحف را تغییر و تبدیل و تحریف نمودند و به آیات الهی عمل نکردند.»

مفضّل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ای مولای من، سپس حضرت مهدی علیه السلام چه خواهد کرد؟ فرمود: «سپس حضرت مهدی لشکرهایی برای جنگ با سفیانی به دمشق می فرستد و لشکر حضرت مهدی علیه السلام سفیانی را دستگیر می کنند و سر او را بر روی آن صخره معروف از تن جدا می کنند.

سپس امام حسین علیه السلام با دوازده هزار صدّیق و هفتاد و دو نفر از اصحاب خود که در کربلا با او شهید شده اند قیام می نماید و قیام و رجعت او بسیار نورانی و زیبا خواهد بود و سپس سیّد صدّیق اکبر امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام قیام و رجعت می نماید و در نجف

برای او قبّه ای نصب می شود که یکی از ارکان آن در نجف است و رکن دیگر آن در هجر و رکن سوّم در صنعا و رکن چهارم در مدینه منوّره است و من می بینم که چراغ های آن در آسمان و زمین نورانی تر از خورشید و ماه است و با چنین رخدادی باطن ها آشکار می شود و معنای آیه شریفه «تَذْهَلُ کُلُّ مُرْضِعَهٍ عَمّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ کُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها وَ تَرَی النّاسَ سُکاری وَ ما هُمْ بِسُکاری وَ لکِنَّ عَذابَ اللّهِ شَدیدٌ»(1) آشکار می گردد.

سپس سیّد اکبر حضرت محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله با انصار و مهاجرین و کسانی که به او ایمان آورده اند و او را تصدیق کرده اند و به شهادت رسیده اند قیام و رجعت می نماید و در آن هنگام تکذیب کنندگان و اهل شکّ و کسانی که از او جلوگیری می کرده اند و او را ساحر و کاهن و مجنون و ناطق از روی هوا می دانستند و با او به جنگ برخاسته اند نیز رجعت می کنند تا قصاص شوند و نسبت به اعمالی که از زمان بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام انجام داده اند و آنچه با هر کدام از امامان پیش از حضرت مهدی از کشتن و مسموم کردن و آواره نمودن داشته اند مجازات شوند و در آن روز تأویل آیه «وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ * وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ» (2) حقیقت پیدا می کند».

1- سوره حجّ: 2.
2- سوره قصص: 5 _ 6 .

مفضّل گوید: مولای من! مقصود از فرعون و هامان کیانند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «...»

مفضّل گوید: ای مولای من، آیا رسول خدا و امیرالمؤمنین با حضرت مهدی خواهند بود؟ فرمود: «جز این نیست که آنان قدم بر همه نقاط روی زمین خواهند گذارد حتّی ماورای جبل قاف، آری به خدا سوگند حضرت محمّد و علی قدم در ظلمات و قعر دریاها می گذارند و هیچ جای قدمی باقی نمی ماند جز آن که قدم در آن خواهند گذارد و دین خدا را در آن اقامه خواهند نمود.»

سپس فرمود: «ای مفضّل، من می بینم که ما امامان مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر می شویم و نسبت به آنچه از این امّت بعد از آن حضرت بر ما وارد شده مانند: تکذیب و رد و سبّ و لعن و تهدید به قتل و تبعید از حرم یعنی حرم جدّمان به محلّ حکومت آنان و قتل و سمّ و حبس، به او شکوه می نماییم و رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه خواهد نمود و به ما می فرماید: فرزندان من! هر چه بر سر شما آمده بر سر جدّتان قبل از شما نیز آمده است.

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام شروع به شکوه خواهد نمود و مصایبی که بر او از ناحیه ... وارد شده و گرفتن فدک از او و آمدن او در مجمع مهاجرین و انصار در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و خطابه او در مورد فدک و رد نمودن او با جعل حدیث "إنّ الأنبیاء لا تورّث" و احتجاج او در ارث به قول زکریّا و یحیی و قصّه داود و سلیمان.

و خطاب آن مرد به او که نامه پدرت در امر فدک را بیاور و چون او نامه

فدک را به دست آن مرد می دهد، او مقابل قریش و مهاجرین و انصار و سایر عرب آن را باز می کند و آب دهن در آن می اندازد و پاره می کند و حضرت فاطمه گریان می شود و با چشم گریان نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید و به خدا و پدر خود استغاثه می نماید و به اشعار رقیّه بنت صفّی تمثّل می جوید.

قد کان بعدک أنباء و هنبثه لو کنت شاهدها لم تکثر الخطب

إنّا فقدناک فقد الأرض وابلها و اختلّ قومک فاشهدهم فقد لعبوا

أبدت رجال لنا فحوی صدورهم لما نأیت و حالت دونک الترب

و کلّ قوم لهم قربی و منزله عند الإله علی الأدنین مقترب

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام مصائبی که از بعضی از منافقین به او رسیده است را خدمت پدر خود بیان می کند مانند این که نزدیک بود حضرت فاطمه علیهاالسلام موهای خود را پریشان نماید و به آنان نفرین کند تا این که امیرالمؤمنین با چشمان قرمز و سر برهنه از خانه خارج می شود و نزد فاطمه می آید و عبای خود را بر او می اندازد و او را به سینه می چسباند و به او می فرماید: ای دختر رسول خدا تو می دانی که پدرت را خداوند رحمه للعالمین مبعوث نمود، پس خدا را و خدا را به یاد بیاور و سر خود را برهنه مکن و پیشانی به درگاه خدا بالا مبر، به خدا سوگند اگر چنین کنی خداوند کسی را روی زمین باقی نخواهد گذاشت که شهادت به رسالت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و یا رسالت موسی و عیسی و ابراهیم و نوح و آدم بدهد بلکه جنبنده ای روی زمین و پرنده ای در هوا نخواهد بود جز آن که خداوند همه آنان را هلاک

خواهد نمود.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شکوه می کند و می فرماید: من شبانه حسن و حسین و زینب و امّ کلثوم را به در خانه های مهاجرین و انصار بردم و آنان را به یاد خدا و رسول او و بیعت آنان در مسأله خلافت با خدا و رسول او آوردم و گفتم: شما در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله در چهار موضع با آن حضرت بیعت کردید و در همه آنها بر من به نام امیرالمؤمنین سلام کردید و وعده دادید که روز

آینده مرا یاری کنید و چون صبح شد از خانه بیرون نیامدید.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام از مصائب بزرگی که بر او وارد شده است شکوه می نماید و می گوید: یا رسول اللّه قصّه من مانند قصّه هارون است که به موسی گفت: «قالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونی وَ کادُوا یَقْتُلُونَنی فَلا تُشْمِتْ بِیَ الْأَعْداءَ وَ لا تَجْعَلْنی مَعَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ»(1)، و من در تمام مصائب برای خدا صبر کردم و تسلیم امر او بودم و به قضای او راضی شدم و خداوند حجّت را بر دشمنان من تمام نمود. سپس گوید: یا رسول اللّه، صبر من از همه اوصیای پیامبران بیشتر بود و من مصایبی را تحمّل نمودم که احدی از اوصیای پیامبران تحمّل نکرد تا این که عبدالرّحمان بن ملجم به ضربت شمشیر مرا به قتل رسانید.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «سپس امام حسن علیه السلام مقابل جدّ خود

1- سوره اعراف: 150.

می ایستد و می گوید: یا جدّاه، معاویه ملعون چون دانست پدرم کشته شده، عبیداللّه زیاد ملعون زنازاده را با یکصد و پنجاه هزار لشکر به کوفه فرستاد و دستور داد تا من و برادرم حسین و سایر برادران و اهل بیت و شیعیان و دوستان ما را دستگیر کنند و از آنان برای معاویه بیعت بگیرند و اگر کسی بیعت نکند گردن او را بزنند و سر او را برای معاویه بفرستند و چون من این را دانستم از خانه خارج شدم و برای نماز به مسجد کوفه رفتم و نماز خواندم و بالای منبر رفتم و در اجتماع مردم حمد و ثنای الهی را گفتم و مردم را نصیحت و موعظه کردم و آنان را برای جهاد و جنگ با معاویه تحریص و ترغیب نمودم و مردم را دیدم که سکوت کرده بودند و پاسخی به من ندادند جز بیست نفر از آنان.

تا این که می فرماید: پس من سر به سوی آسمان بالا کردم و گفتم: خدایا من دعوت و انذار و امر و نهی خود را انجام دادم و لکن مردم از اجابت دعوت من غفلت نمودند و امر خدا را اطاعت نکردند و دشمنان او را یاری کردند، خدایا نکبت و عذاب خود را که بر ستمکاران می فرستی بر آنان فروفرست. سپس از کوفه حرکت کردم و به طرف مدینه رفتم تا این که مردم به من خبر دادند: لشکر معاویه به شهر انبار و کوفه حمله کرده و مردم بی گناه و اطفال و زن ها را کشته است. پس به آنان گفتم: مردم کوفه به ما وفادار نیستند و با ان وصف باز لشکری را با عدّه ای برای مقابله با آنان فرستادم و به مردم گفتم: این ها نیز برای من کاری نخواهند کرد و از معاویه اطاعت می کنند و

بیعت و عهد من را می شکنند و آنچه گفته بودم همان گونه عمل شد.

سپس امام حسین علیه السلام مقابل جدّ خود می ایستد در حالی که او و کسانی که با او کشته شده اند آغشته به خون می باشند و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را می بیند گریه می کند و با گریه او همه اهل آسمان ها و اهل زمین گریه می کنند و در آن حال حضرت فاطمه علیهاالسلام ناله ای می زند و زمین به لرزه درمی آید، پس امیرالمؤمنین علیه السلام در طرف راست امام حسین و فاطمه زهرا در طرف چپ او قرار می گیرند و رسول خدا صلی الله علیه و آله حسین خود را به آغوش می کشد و می فرماید: حسینم فدای تو شوم امروز چشمان من و تو روشن باد.

و در سمت راست حسین نیز حمزه اسداللّه و در سمت چپ او جعفر بن ابی طالب قرار می گیرند. در این میان خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین، محسن فاطمه را روی دست می گیرند و ناله و فریاد آنان بلند می شود و فاطمه زهرا می فرماید: «هذا یَوْمُکُمُ الَّذی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ»(1)، «یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَرا وَ ما عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَهاَ وَ بَیْنَهُ أَمَداً بَعیدا»(2).»

مفضّل گوید: سخن امام صادق علیه السلام چون به این جا رسید گریان شد و اشک او بر محاسنش جاری گردید و فرمود: «روشن مباد چشمی که با توجّه به این مصائب گریان نشود.» و مفضّل نیز گریه فراوانی کرد. سپس گفت: ای مولای من، پاداش این گریه ها چیست؟

1- سوره انبیاء: 103.
2- سوره آل عمران: 30.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر گریه کننده اهل حقّ و ولایت ما باشد، قابل شماره نیست.»

مفضّل سپس گفت: مولای من، معنای آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»(1) چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، مقصود از "موؤده" محسن [فاطمه علیهاالسلام] است، چرا که محسن از خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله است و اگر کسی جز این بگوید باید او را تکذیب کنید.»

مفضّل گفت: سپس چه خواهد شد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «سپس فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از درگاه خداوند درخواست حکم می نماید و می گوید: "اللّهمّ أنجز وعدک و موعدک لی فیمن ظلمنی و غصبنی و ضربنی و أحزننی بکلّ أولادی." پس ملائکه آسمان های هفتگانه و حاملین عرش و ملائکه ساکن در هوا و اهل دنیا و موجودات زیر زمین برای فاطمه علیهاالسلام گریان می شوند و صدای ناله آنان بلند می شود و در آن روز کسانی که قاتل ما بوده اند و به ما ظلم کرده اند و یا راضی به ظلم به ما بوده اند هزار مرتبه کشته می شوند.»

مفضّل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مولای من، برخی از شیعیان شما قائل به رجعت نیستند؟! امام صادق علیه السلام فرمود: «مگر از جدّ ما و از ما این آیه را نشنیده اند؟ «وَ لَنُذیقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَذابِ الْأَکْبَرِ» (2).» سپس فرمود: «عذاب ادنی،عذاب در رجعت

1- سوره تکویر: 8 _ 9.
2- سوره سجده: 21.

است...»

سپس فرمود: «ای مفضّل، اگر شیعیان در قرآن تدبّر می نمودند در مقام و منزلت ما شکّ نمی داشتند، مگر شیعیان ما این آیه را نشنیده اند؟ «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ...»، ای مفضّل، تنزیل این آیه درباره بنی اسرائیل است و تأویل آن دربَاره ما می باشد، و مقصود از فرعون و هامان، تیم و عدی می باشند.» تا این که فرمود:

«سپس جدّم علیّ بن الحسین و پدرم امام باقر علیهماالسلام مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستند و از آنچه بر سر آنان آمده شکایت می کنند، سپس من مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستم و آنچه منصور با من کرده را می گویم، سپس فرزندم موسی مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستد و از ظلم رشید به او شکایت می نماید، سپس علیّ بن موسی مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستد و از ظلم مأمون شکایت می نماید، سپس محمّد بن علی مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستد و از مأمون شکایت می کند، سپس علیّ بن محمّد مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستد و از ظلم متوکّل شکایت می نماید، سپس حسن بن علیّ مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله می ایستد و از ظلم معتزّ شکایت می نماید، و سپس حضرت مهدی سمّی جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله با پیراهن خونین رسول خدا صلی الله علیه و آله از خون پیشانی و شکسته شدن دست های او، مقابل آن حضرت می ایستد و ملائکه اطراف او را احاطه کرده اند، پس می گوید: یا جدّاه، شما اوصاف مرا بیان کردید و نام و نسب مرا روشن نمودید و لکن امّت مرا

انکار کردند و با من مخالفت نمودند و گفتند: پدرم فرزندی نداشته و تو کجا بوده ای و اگر تو فرزند امام عسکری علیه السلام هستی، چگونه تاکنون مانده ای. پس برای خدا صبر کردم تا خداوند وعده خود را نسبت به من قطعی نمود و با اذن الهی قیام نمودم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی صَدَقَنا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلینَ» (1)، و می فرماید: «جاءَ نَصْرُ اللّهِ وَ الْفَتْحُ»، و می فرماید: اکنون ثابت شد معنای سخن خداوند که می فرماید: «هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»(2)، سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت نمود: «إِنّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحا مُبینا * لِیَغْفِرَ لَکَ اللّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ یُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَ یَهْدِیَکَ صِراطا مُسْتَقیما * وَ یَنْصُرَکَ اللّهُ نَصْرا عَزیزا»(3).»

مفضّل می گوید: گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله چه گناهی داشته است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مفضّل، رسول خدا صلی الله علیه و آله به پروردگار خود گفت: خدایا گناه شیعیان برادرم علیّ و گناه شیعیان اولادم که امامان و جانشینان من هستند را تا قیامت به عهده من قرار ده و مرا مقابل پیامبران و مرسلین به خاطر شیعیانم سرافکنده مکن. از این رو، خداوند گناهان آنان را بر دوش رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داد و سپس همه آنها را به رسول خود بخشید.»

1- سوره زمر: 74.
2- سوره توبه: 33.
3- سوره فتح: 1 _ 3.

مفضّل می گوید: من با شنیدن این سخنان بسیار گریه کردم و گفتم: مولای من، این فضل خداست که به واسطه شما به ما می رسد. امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان جز تو و امثال تو نمی باشند، ای مفضّل، این حدیث را برای ضعفای شیعیان ما نخوان، چرا که آنان با شنیدن این حدیث دست از انجام وظیفه برمی دارند و مغرور می شوند و در آن صورت ما برای آنان نمی توانیم کاری انجام بدهیم، چرا که خداوند می فرماید: «لا یَشْفَعُونَ إِلاّ لِمَنِ ارْتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ مُشْفِقُونَ»(1).»

مفضّل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: خداوند می فرماید: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ»، در حالی که دین رسول خدا صلی الله علیه و آله همه عالم را فرا نگرفت؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مفضّل، اگر دین رسول خدا صلی الله علیه و آله همه عالم را فرا می گرفت، مجوسی و یهودی و صابئین و نصرانی و هیچ فرقه خلاف دیگری باید وجود نمی داشت و هرگز خلاف و شکّ و شرک و بت پرستی و خورشید و ماه و ستاره و آتش و سنگ پرستی وجود نداشت، و معنای «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ» مربوط به قیام حضرت مهدی و رجعت می باشد، چنان که خداوند می فرماید: «وَ قاتِلُوهُمْ حَتّی لا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَ یَکُونَ الدّینُ کُلُّهُ لِلّهِ»(2).»

امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی سپس به کوفه خواهد آمد و آسمان برکات خود را نازل می کند و آسمان ملخ های طلایی می بارد چنان که در زمان ایّوب بر بنی اسرائیل بارید، و حضرت مهدی

1- سوره انبیاء: 28.
2- سوره انفال: 39.

گنج های زمین را از طلاها و جواهرات بین اصحاب خود تقسیم نماید.»

مفضّل گوید: مولای من آیا اگر یکی از شیعیان شما بمیرد و دینی از برادران خود و یا غیر برادران خود به عهده او باشد، چگونه خواهد شد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «نخستین کاری که حضرت مهدی انجام می دهد این است که در همه عالم اعلان می کند هر کس دینی به عهده یکی از شیعیان ما دارد گرچه ناچیز باشد بگوید تا دین او پرداخت شود و همه را پرداخت می نماید.»(1)

1- حقّ الیقین: 2 / 2 _ 29؛ مختصر بصائرالدّرجات: 182؛ بحارالأنوار: 53 / 1 _ 24؛ الهدایه الکبری: 396.

آثار مؤلّف تاکنون

1- الحجّ و الزّیاره، عربی.

2- آداب حجّ و زیارت حرمین شریفین، فارسی.

3- میزان الحقّ یا حقیقت مظلوم، فارسی _ عربی.

4- آیات الفضائل یا فضائل علی علیه السلام در قرآن، عربی _ فارسی.

5- دوله المهدی علیه السلام یا حکومت امام زمان عجّل اللّه فرجه الشّریف، فارسی _ عربی.

6- اسوه النّساء، بانوی نمونه عالم، فارسی _ عربی.

7- امام الشّهداء و سالار شهیدان، فارسی _ عربی.

8- انتظار مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور، فارسی _ عربی.

9- شهید خراسان و پناه شیعیان، فارسی _ عربی.

10- عاشقان کربلا، زیارات عتبات عالیات عراق.

11- آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام، فارسی _ عربی.

12- بشارت های معصومین علیهم السلام ، فارسی _ عربی.

13- مژده های رحمت در قرآن همراه خطبه غدیر، فارسی _ عربی.

14- محرّمات اسلام، فارسی _ عربی.

15- ماه های رحمت، ترجمه کتاب «فضائل الأشهر الثّلاثه» مرحوم صدوق، فارسی _ عربی.

16- امام صادق علیه السلام ترجمه کتاب الامام الصادق علیه السلام از مرحوم علامه مظفر فارسی.

17- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ترجمه کتاب مناقب آل ابی طالب 7 تالیف علامه ابن شهر آشوب.

ص: 95

18- واجبات اسلامی فارسی و عربی.

19- پیام های قرآنی یکصد و ده پیام نورانی قرآن.

20- رهبران معصوم علیهم السلام

21- راه خداشناسی

22-خطبه غدیر با ترجمه فارسی

23- بشارت های مهدویت فارسی- عربی.

24- در پناه قرآن.

25- فتنه های آخر الزمان فارسی- عربی

26-راه بهشت.

27-اخلاق و سیره محمدی صلی الله علیه و آله

28- دفاع از مقام ولایت.

29- سخت ترین امتحان ترجمه مصادقه الاخوان(از مرحوم صدوق.)

30- حکومت های جهانی قبل از قیامت.

31- بانوان نمونه.

32- عجائب.

ص: 96

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109